



با گذشت بیش از یک ماه، ترور یمایا سیلوش هنوز مبهم است



ضرب الاجل تعیین شده از سوی خانواده یمایا سیلوش برای بررسی قضیه ترور وی، رو به پایان است. با این حال حکومت هنوز نتایج بررسی‌هایش را با رسانه‌ها و خانواده یمایا سیلوش در میان نگذاشته است. اعضای خانواده یمایا سیلوش یک ماه پیش در شکایت‌نامه رسمی به چندین نهاد، ترور این فعال رسانه‌ای را پرسش‌برانگیز خواندند و برای تشخیص عاملان ترور او یک ماه ضرب الاجل تعیین کردند. مسوولان در وزارت امور داخله می‌گویند که قضیه ترور یمایا سیلوش هنوز هم زیر بررسی قرار دارد. این نهاد اما در مورد پیش‌رفت‌های این پرونده جزئیات نمی‌دهد. اعضای خانواده یمایا سیلوش تصریح می‌کنند که در صورت نتیجه ندادن بررسی‌های پولیس، آنان موضع‌شان در این مورد را اعلام می‌کنند. پیش‌تر پدر وی گفته بود که در صورت پیدا نشدن عاملان ترور یمایا سیلوش، حکومت قاتل وی شناخته می‌شود و آنان به دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت می‌کنند.

۳



نگرانی‌ها از تاخیر در عملی شدن وعده حکومت؛

مذاکرات صلح نباید انتخابات را به حاشیه ببرد

۳

اخلاق سیاسی،

مشق دموکراسی، کد ۹۱

۴

هرج و مرج در وزارت معادن و پترولیم

قانون اساسی افغانستان، تمام شهروندان کشور را از حقوق برابر برخوردار کرده است و هر نوع تبعیض و برتری‌جویی قطعاً محکوم به شکست است. افغانستان به وحدت و هم‌دیگرپذیری ضرورت دارد و رهبران نهادهای ملی باید برنامه‌های خود را به گونه‌ای تدوین و تنظیم کنند که هیچ شهروند افغانستان زیان نبیند.



۴

افزایش قضایای حاد خشونت در نیمروز؛ ۱۰ زن در جریان سال جاری به قتل رسیده‌اند



افزایش آمار خشونت علیه زنان در ولایت نیمروز، موجب نگرانی کنش‌گران مدنی در این ولایت شده است. آنان می‌گویند که در سال‌های گذشته آمار خشونت در برابر زنان نیمروزی بسیار پایین بود، اما در سال جاری به دلیل همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ این آمار افزایش یافته است.

۷

دولت تنها پنج درصد هزینه‌های سالانه خدمات صحتی را پرداخت می‌کند

در بهبود عرضه خدمات صحتی به ویژه کاهش مرگومیر مادران و نوزادان دست‌آوردهای چشم‌گیری داشته است؛ اما هنوز هم نیاز است تا کیفیت خدمات صحتی افزایش یابد که این امر نیاز به منابع مالی بیشتر دارد. وزارت صحت عامه دو سال پیش برنامه اخذ فیس را در شفاخانه‌ها آغاز کرد. طبق اعلام این وزارت، تاکنون ۱۸۷ میلیون افغانی از این بابت جمع‌آوری و به وزارت مالیه منتقل شده است.



۸ صبح، کابل: طبق معلومات وزارت صحت عامه، سالانه در کشور حدود ۲.۵ میلیارد دالر برای دریافت خدمات صحتی هزینه می‌شود. عبدالقدیر قدیر، سرپرست معینیت مالی و اداری وزارت صحت عامه روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم قوس، در نشست گفته است که حدود ۷۵ درصد از هزینه‌های صحتی از سوی مردم، حدود ۲۰ درصد از سوی نهادهای کمک‌کننده و تنها پنج درصد از سوی دولت پرداخت می‌شود. وزارت صحت عامه نشست را درباره تطبیق برنامه اخذ فیس در شفاخانه‌های سکتور صحت افغانستان، برگزار کرده است. عبدالقدیر قدیر، سرپرست معینیت مالی و اداری وزارت صحت عامه، در این نشست گفته است که تطبیق برنامه اخذ فیس در مراکز صحتی یک اقدام موثر برای تداوم عرضه خدمات صحتی است. او افزوده است که وزارت صحت عامه در تلاش است تا با استفاده از تطبیق برنامه‌های بیمه صحتی، اخذ فیس و مالیات تداوم عرضه خدمات صحتی را بدون کمک شرکای بین‌المللی افغانستان در آینده تامین کند. به گفته او، وزارت صحت عامه در دو دهه گذشته

معاون والی کابل و دستیارش در انفجاری کشته شدند



۸ صبح، کابل: معاون والی کابل و دستیارش در پی انفجاری در مربوطات ناحیه نهم شهر کابل کشته شده‌اند. آراین گفت که انفجار ناشی از ماین مقناطیسی بود و موثر نوع لندکروزر محبوب‌الله محبی را هدف قرار داده بود. طارق آراین گفته است که این عمل «تروریسم» جنایت جنگی و ضدبشری است. مسوولیت این انفجار را فرد و یا گروهی عهده نگرفته است.

معاون والی کابل و دستیارش کشته شده‌اند. این انفجار ساعت ۹:۴۰ بامداد روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم قوس در ساحه مکروریان چهارم رخ داد. طارق آراین، سخنگوی وزارت امور داخله گفته است که در این انفجار محبوب‌الله محبی، معاون والی کابل و دستیارش کشته شده‌اند.



آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

Facebook, Twitter, Instagram, YouTube, LinkedIn, WhatsApp, Telegram, Email, Phone, Address



#آریانا_از_شماست



مفردات آجدای دولت و طالبان روشن شد؛ مذاکرات به چه سرانجامی خواهد رسید؟

چند روز پیش ۸ صبح مفردات آجدای پیشنهادی طالبان را نشر کرد. در موادی که طالبان برای بحث پیشنهاد کرده بودند، مهم‌ترین آن‌ها نظام اسلامی، شورای سراسری عالمان دین اسلام، معارف اسلامی و حقوق زنان و مردان در چارچوب نصوص و شریعت اسلامی بود. مسایل مطرح شده در آجدای پیشنهادی طالبان، در چارچوب قوانین افغانستان با خوانش‌های امروزی از آموزه‌های اسلامی، در کنار الزامیت جمهوری اسلامی افغانستان به رعایت مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی، وجود دارد.

چیزی که مهم است، این است که طالبان باید تفسیرشان را از این مواد پیشنهادی روشن کنند. آن‌گاه روشن خواهد شد که نظام اسلامی مورد نظر طالبان با نظام موجود چه تفاوت‌هایی دارد. با پیش‌رفت مذاکرات بدون شک طالبان با جزئیات بیش‌تری درباره مفردات آجدای پیشنهادی‌شان بحث خواهند کرد.

در طرف دیگر گفت‌وگو، هیأت مذاکره‌کننده دولت نیز مفردات آجدای‌شان را با هیأت مذاکره‌کننده طالبان در میان گذاشته است.

موضوعات مهم طرف دولت را آتش‌بس، ایجاد حکومت مصلحتی یا مشارکتی، تعدیل قانون اساسی، حفظ حقوق زنان و دست‌آوردهای اساسی و نیز رسیده‌گی به قربانیان جنگ تشکیل می‌دهد.

خواست‌های طرف‌ها به گونه واضح پرده از تفاوت دیدگاه‌های آنان بر می‌دارد. گفته می‌شود که طالبان تأکید کرده‌اند که نخستین موادی که روی آن بحث شود، باید تشکیل حکومت مشارکتی باشد. آن‌ها هم‌چنان آتش‌بس را که خواست نخستین دولت افغانستان است، به اولویت‌شان تبدیل نکرده‌اند.

چیزی که روشن است و همان‌طوری که پیش‌بینی می‌شد طالبان آتش‌بس را به عنوان حربی‌ای در این مذاکرات در نظر دارند، آنان می‌خواهند در بدل آتش‌بس به حد اعظم خواست‌های‌شان یا به بزرگ‌ترین خواست‌شان برسند.

طالبان جنگ را به عنوان مهم‌ترین حربه برای فشار آوردن بالای دولت افغانستان هم‌چنان حفظ کرده‌اند. در آجدای آنان آتش‌بس یکی از مواد پیشنهادی برای بحث نبوده است. این نشان می‌دهد که طالبان می‌خواهند در قدم اول به خواست‌های دیگرشان برسند و در آن باره تضمین‌هایی نیز کسب و سپس درباره آتش‌بس بحث کنند. گفته می‌شود که طالبان می‌خواهند پیش از آتش‌بس در کنار نهایی شدن شکل نظام آینده، نام رهبران‌شان از تعزیرات سازمان ملل نیز برداشته شود. آنان در این مذاکرات به ساده‌گی به آتش‌بس تن نخواهند داد، طالبان هرگز درباره آتش‌بس به عنوان یک اولویت بحث نکرده‌اند.

هر دو طرف به یک وقفه بیست روزه توافق کرده‌اند تا درباره آجدای پیشنهادی یک‌دیگر رأی‌زنی‌های نهایی را انجام دهند و سپس دوباره به میز مذاکرات حاضر شوند. این وقفه، نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور صلح افغانستان را نگران کرده است. با آن هم هر دو طرف نیاز دارند تا درباره مواد پیشنهادی هم‌دیگر رأی‌زنی کنند. گفته می‌شود که هیأت مذاکره‌کننده دولت نیز قرار است به کابل بیاید و بلافاصله شورای مصالحه ملی جلسه کمیته رهبری‌اش را برای رأی‌زنی برگزار کند.

دولت افغانستان و به خصوص شورای عالی مصالحه ملی درباره مواد پیشنهادی طالبان رأی‌زنی‌های نهایی را انجام خواهد داد و این بار اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت با پشتوانه‌ای از اجماع سیاسی درباره تصمیم‌شان عازم دوحه خواهند شد.

هر چند حکومت افغانستان پیشنهاد کرده است که ادامه مذاکرات در داخل افغانستان پی‌گیری شود؛ اما محال است طالبان با این پیشنهاد موافقت کنند. دولت افغانستان می‌خواهد با ادامه مذاکرات در افغانستان طالبان را زیر فشار افکار عمومی قرار دهد؛ اما این گروه درباره تغییر مکان مذاکرات ابراز نظر نکرده است.

طوری که دیده می‌شود، میان مواد آجدای هر دو طرف فاصله‌ای به پهنای دیوار چین است. آن‌چه مسلم است، این است که تفاوت دیدگاه‌ها طبیعی است و بر اساس همین تفاوت جنگ ادامه دارد، مهم‌تر از آن روند مذاکرات است که به چه سرانجامی خواهد رسید. امیدواری این است که طرف‌ها بتوانند روی حد میانه‌ای از خواست‌های‌شان به توافق برسند. چیزی که روشن شده است، این است که میان خواست‌های طرفین فاصله وجود دارد، روند مذاکرات نشان خواهد داد که طالبان تا چه پیمان‌ه حاضر اند از خواست‌هایی که با افغانستان کنونی هم‌خوانی ندارد، دست بکشند. خواست اصلی مردم افغانستان در گام اول آتش‌بس و توقف خون‌ریزی‌های بی‌پایه است.

اگر قرار است صلحی به وجود بیاید، با قطع این خون‌ریزی‌ها به وجود می‌آید. پس بهتر است طالبان با تن دادن به آتش‌بس نیت‌شان به صلح را نشان دهند.



حمله بر پولیس در کابل یک کشته و یک زخمی برجای گذاشت

اداری والی کابل و دستیارش کشته شدند. امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری می‌گوید که روز گذشته شهر کابل شاهد هفت حادثه جرمی و یک حادثه تروریستی بوده است.

طبق معلومات صالح، یکی از منسوبان دولتی در حادثه تروریستی در مربوطات حوزه هفتم کشته شده است.

معاون اول ریاست جمهوری گفته است که این قتل توسط افراد موتورسایکل سوار صورت گرفته است.

او افزوده است که در این بخش، به پولیس و امنیت ملی صلاحیت واضح داده شده است که موتورسایکل‌های با دو سرنشین را تهدید آنی فکر کنند و پیش از آن که شکار شوند، اقدام کنند. صالح می‌گوید که ۹۰ درصد موتورسایکل‌های «دوپشته» مربوط تروریستان است.

۸ صبح، کابل: نیروهای پولیس صبح روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم قوس، در مربوطات ناحیه دوازدهم شهر کابل هدف حمله مسلحانه قرار گرفته است.

فردوس فرامرز، سخنگوی پولیس کابل گفته است که در این حمله یک منسوب نیروهای پولیس کشته شده و یک تن دیگر زخمی شده است.

این رویداد در ساحه بت‌خاک از مربوطات ناحیه دوازدهم شهر کابل رخ داده است.

سخنگوی پولیس گفت که تفنگ‌داران ناشناس بر پولیس در این ساحه شلیک کرده‌اند.

یک منبع امنیتی اما می‌گوید که این حمله کار افراد وابسته به گروه طالبان بوده است.

کابل بامداد روز سه‌شنبه شاهد انفجار ماین مقناطیسی نیز بود. این انفجار در ناحیه نهم شهر کابل رخ داد و در آن محبوب‌الله محبی، معاون

قوم قرغیز خواهان حضور نماینده‌شان در مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی شد



آن‌ها هم‌چنان گفته‌اند که ۱۵ سال پیش یک مکتب در پامیر ایجاد شد، اما تا کنون هیچ کسی از آن فارغ نشده است و تنها شمار محدودی تا صنف نهم درس خوانده‌اند، اما کیفیت آموزش قناعت‌بخش نیست.

نمایندگان قوم قرغیز خاطر نشان کرده‌اند که در سال‌های گذشته، یک سناتور انتصابی از میان آن‌ها انتخاب شده بود، اما بعد از وفات او جایگزینش معرفی نشده است.

مردم پامیر خواهان انتصاب یک سناتور از میان این قوم شده‌اند.

بابر فرهمند گفته است که هیچ کس نمی‌تواند قوم قرغیز افغانستان را نادیده بگیرد و باید این قوم از حقوق شهروندی و انسانی خود بهره‌مند شود.

معاون شورای عالی مصالحه ملی وعده داده است که یک نماینده از قوم قرغیز در کنار سایر اقوام در مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی حضور خواهد داشت و شماری از جوانان این قوم در مربوطات شورای عالی مصالحه ملی استخدام خواهند شد.

عنايت‌الله بابر فرهمند گفته است که یگانه راه امرار معیشت آن‌ها، مالداری است و بنا بر سردی هوا و جغرافیای پامیر، امکان زراعت وجود ندارد. مردم پامیر می‌گویند که مواد غذایی مورد نیازشان را با طی کردن مسافت طولانی در مدت شش روز از ولسوالی واخان ولایت بدخشان با پای پیاده و با استفاده از الاغ به پامیر بزرگ انتقال می‌دهند.

۸ صبح، کابل: شماری از نمایندگان قوم قرغیز مناطق پامیر ولسوالی واخان بدخشان در دیدار با معاون اول شورای عالی مصالحه ملی خواهان حضور نمایندگان این قوم در مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی شده است.

این دیدار پیش از چاشت روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم قوس انجام شده است.

عنايت‌الله بابر فرهمند، معاون اول شورای عالی مصالحه ملی، گزارش این دیدار را در صفحه‌ی فیس‌بوکش نشر کرده است.

بابر فرهمند گفته است که قوم قرغیز با حمایت از پروسه صلح خواهان حضور نماینده این قوم در مجمع عمومی شورای عالی مصالحه ملی و استخدام جوانان قوم قرغیز در این شورا شده‌اند.

نمایندگان قوم قرغیز منطقه پامیر بدخشان از نبود خدمات عامه قناعت‌بخش از قبیل مکتب، مرکزهای صحتی، جاده و خدمات مخابراتی شکایت کرده‌اند.

به گفته‌ی نمایندگان مردم پامیر بدخشان، یگانه راه امرار معیشت آن‌ها، مالداری است و بنا بر سردی هوا و جغرافیای پامیر، امکان زراعت وجود ندارد.

مردم پامیر می‌گویند که مواد غذایی مورد نیازشان را با طی کردن مسافت طولانی در مدت شش روز از ولسوالی واخان ولایت بدخشان با پای پیاده و با استفاده از الاغ به پامیر بزرگ انتقال می‌دهند.

کرونا:

ثبت ۲۵۶ مورد جدید ابتلا و ۲۶ مرگ در شبانه‌روز گذشته

۸ صبح، کابل: وزارت صحت عامه اعلام کرد که در شبانه‌روز گذشته ۲۶ بیمار کرونایی در کشور جان باخته‌اند.

طبق اعلام این وزارت، در ۲۴ ساعت گذشته ۲۵۶ مورد تازه ابتلا به ویروس کرونا در کشور شناسایی شده‌اند.

این نتیجه از آزمایش یک هزار و ۴۵۱ نمونه‌ی مشکوک به کرونا به دست آمده است.

در شبانه‌روز گذشته ۹۰ بیمار کرونایی در کشور بهبود یافته‌اند.

با ثبت این رقم، شمار کل بیماران کرونایی به ۴۹ هزار و ۷۴۰ تن رسیده است.

از این میان، ۳۸ هزار و ۵۰۰ تن بهبود یافته و دو هزار و یک تن دیگر جان باخته‌اند.

در حال حاضر، هشت هزار و ۶۲۱ بیمار کرونایی در کشور فعال هستند.

وزارت صحت عامه تاکنون ۱۷۲ هزار و ۳۰۶ نمونه‌ی مشکوک به کرونا را بررسی کرده است.

میزان ابتلا به کرونا و مرگ‌ومیر ناشی از آن در روزهای اخیر افزایش یافته است.

شیوع موج دوم ویروس کرونا در کشور در ۲۸ عترب تأیید شد.

محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور مدیریت مبارزه با موج دوم ویروس کرونا را بر عهده گرفته است.



داکتران بدون مرز: ناامنی بیماران را حتا در جریان مذاکرات صلح تهدید می‌کند

۸ صبح، کابل: سازمان داکتران بدون مرز با نشر گزارشی گفته است که بیماران به رغم دوام گفت‌وگوهای صلح، با تهدید ناامنی دوام‌دار روبه‌رو هستند.

در گزارش این سازمان، سال ۲۰۲۰ برای افغانستان یک سال تاریخی خوانده شده که امریکا و طالبان در ماه فروری این سال پس از ۲۰ سال جنگ توافق‌نامه صلح امضا کرده‌اند و به تعقیب آن مذاکرات بین‌الافغانی آغاز شده است.

در عین حال گفته شده است که از آغاز کار سازمان داکتران بدون مرز در افغانستان ۴۰ سال می‌گذرد و مشاهدات این سازمان نشان می‌دهد که بیماران هنوز نتوانسته‌اند بهبود را در چالش‌های پیش‌روی‌شان برای دسترسی به مراقبت‌های صحتی مشاهده کنند.

سازمان داکتران بدون مرز گفته است که بیمار چاره‌ای جز ادامه سفرهای خطرناک برای دسترسی به خدمات صحتی ندارد و این چالش‌ها در میان موج دوم ویروس کرونا و عواقب ناشی از کاهش بودجه کمک‌کننده‌گان با کشوری با افزایش نیازهای بشردوستانه که به زودی احساس خواهد شد، قرار دارد.

در این گزارش، روایت بیمارانی از ولایت‌های هلمند، قندهار، هرات و خوست بازتاب یافته که در شفاخانه‌های متعلق به سازمان داکتران بدون مرز درمان شده‌اند.

صفیه، بیماری در هلمند، در ماه هفتم بارداری هدف اصابت مرمی قرار گرفته است. او ساعت‌ها سفر کرده تا به مرکز صحتی بست برسد. با این وجود، کودک صفیه که چهار سال برای باردارشش صبر کرده بود، به ضرب گوله در رحم وی کشته شده بود.

مارینا کورتیسی، هماهنگ‌کننده شفاخانه سازمان داکتران بدون مرز، می‌گوید: «با صفیه نشستم، قوت و مقاومت هنوز هم در او وجود داشت، اما غم و اندوه او مرا درد می‌دهد - در رحم و یا در قبر باشد - اولین متولد شده او هیچ صلح را نفهمید.»

مراودان، بیمار برنامه توبرکلوز اسل در شفاخانه سازمان داکتران بدون مرز در قندهار است. او گفته است راهی که برای دریافت دواهای بیماری توبرکلوز طی می‌کرد، دیگر امن نیست.

حملات بر مراکز صحتی

در بخشی از گزارش سازمان داکتران بدون مرز از حملات بر مراکز صحتی یاد شده است.

سازمان داکتران بدون مرز گفته است که تنها مسافرت برای دسترسی خدمات صحتی خطرناک نیست، بلکه رسیدن به مراکز نیز امنیت بیماران را تضمین نمی‌کند.

برای نمونه از حمله بر زایشگاه دشت برچی یاد شده است. در این حمله، ۱۶ مادر در بسترهای‌شان به ضرب گلوله کشته شدند که از آن جمله فرزندان پنج مادر هنوز به دنیا نیامده بودند. در این حمله یک قابله، دو کودک و شش تن دیگر نیز کشته شدند.

نگرانی‌ها از تاخیر در عملی شدن وعده حکومت؛ مذاکرات صلح نباید انتخابات را به حاشیه ببرد



عبدالحمید حسینی

بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) از برگزار نشدن انتخابات شوراهای ولایتی، انتخابات شوراهای ولسوالی و انتخابات پارلمانی ولایت غزنی ابراز نگرانی می‌کند. مسوولان این نهاد می‌گویند که هرچند

صلح از اولویت‌های اساسی همه جوانب ذی‌دخل ملی و بین‌المللی است، اما این روند نباید انتخابات را به حاشیه بکشاند. به گفته مسوولان فیفا، نبود برنامه‌ریزی محسوس اصلاحات انتخاباتی در راستای تدوین طرح مشخص برای برگزاری این انتخابات‌ها، نگران‌کننده است. این نهاد تصریح می‌کند که حکومت می‌بایست انتخابات شوراهای ولایتی را دو سال پیش برگزار می‌کرد، اما با گذشت دو سال هنوز در این زمینه کاری انجام نشده و حکومت سکوت کرده است. فیفا از حکومت می‌خواهد که به اصلاحات انتخاباتی و برگزاری انتخابات شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی و پارلمانی ولایت غزنی توجه جدی کند و هزینه آن را در بودجه سال آینده در نظر بگیرد. این در حالی است که کمیسیون مستقل انتخابات از تمدید سند پروژه سازمان ملل متحد برای انتخابات خبر می‌دهد. بدین ترتیب این کمیسیون برای برگزاری انتخابات شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی و پارلمانی غزنی آماده‌گی گرفته است. گفتمانی است که زمینه‌سازی برای انتخابات شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی و شهرداری‌ها بخشی از توافقات سیاسی میان ارگ و سپیدار نیز به شمار می‌آید.

بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) می‌گوید که با آغاز گفت‌وگوهای صلح، بحث‌های انتخاباتی به عنوان یکی از مبانی و دست‌آوردهای اصلی نظام جمهوری به فراموشی سپرده شده است. یوسف رشید، رییس فیفا، روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم قوس، در یک نشست خبری گفت، در صورتی که انتخابات به عنوان یک دست‌آورد نظام جمهوری فراموش شود، ممکن هیأت مذاکره‌کننده دولت نیز نتواند در میز مذاکرات صلح از این اصل به عنوان یک «ارزش و حقوق شهروندی» و «خط اساسی برای تامین ثبات پایدار در کشور»، دفاع کند. این نهاد گفته است، علی‌رغم این که قوانین انتخابات طی فرمان تقنینی رییس جمهور تعدیل و انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۸ با همه کم‌وکاستی‌ها برگزار شد، اما طرف‌ها پی بردند که این فرمان تقنینی رییس جمهور از همه جهات نیازمند اصلاح و تعدیل است. به باور آقای رشید، این فرمان تقنینی مدتی طولانی خلاف حکم قانون اساسی در مجلس نماینده‌گان به رای‌گیری نرفت و با وجود این نقض قانونی، کمیسیون مستقل انتخابات و حکومت طرح کامل و اصلاح شده را به مجلس پیش‌کش کرده‌اند. این طرح در هماهنگی با نهادهای مرتبط به انتخابات، احزاب سیاسی و متخصصان امور حقوقی و انتخاباتی تهیه شده بود.

از جانب کمیسیون و سایر نهادهای ذخیل به مجلس بفرستند. این نهاد می‌گوید که نیاز است کمیسیون مستقل انتخابات بار دیگر طرح تعدیلی‌اش را جهت بهبود روند تخنیکی و عملیاتی انتخابات، به وزارت عدلیه ارایه کند. فیفا هم‌چنان از کمیسیون مستقل انتخابات خواست که در کنار ارایه طرح تعدیلی به وزارت شوراهای ولسوالی و انتخابات شوراهای ولایتی را نهایی و با حکومت هماهنگ کند تا در قسمت حمایت‌های مالی و امنیتی آن برنامه‌ریزی شود.

این نهاد هم‌چنان از در نظر نگرفتن هزینه برگزاری انتخابات در بودجه سال ۱۴۰۰ ابراز نگرانی کرد و از حکومت خواست که هزینه برگزاری انتخابات را در بودجه سال آینده در نظر بگیرد. این در حالی است که فیفا کمیسیون انتخابات را به کم‌کاری متهم کرده می‌گوید، با وجودی که از این کمیسیون بارها خواسته شده تا مطابق به صلاحیت‌های قانونی‌اش مسوده طرح تعدیل قانون انتخابات را آماده و بعد از مشوره با نهادهای ذی‌دخل و احزاب سیاسی به وزارت عدلیه بسپارد، اما به خواست‌ها و قعی نگذاشته و روی مسوده طرح این قانون کار نشده است.

رییس فیفا خطاب به مجلس گفت که از وزارت عدلیه و سایر نهادهای مسوول بخواهد تا طرح جدید قانون انتخابات را در مشوره با نهادهای ذی‌دخل تهیه کند و جهت تایید دوباره به مجلس بفرستد. با این‌همه، فیفا برای رفع نارسایی‌ها و کاستی‌ها، به حکومت و نهادهای مسوول پیشنهاد کرد که برنامه رای‌گیری روی فرمان تقنینی رییس جمهور در مورد تعدیل و ترتیب قانون انتخابات را از آجندای بیست‌وششم قوس خارج کنند. هم‌چنان به وزارت عدلیه فرصت دهند تا طرح جدید قانون انتخابات را بعد از گرفتن طرح قانون انتخابات

سازمان ملل متحد سند پروژه برای انتخابات را تمدید کرد

کمیسیون مستقل انتخابات روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم قوس، اعلام کرد که سازمان ملل متحد پروژه‌اش برای برگزاری انتخابات را بار دیگر تمدید کرده است. به گفته این کمیسیون، امضای این سند سبب می‌شود که کمیسیون مستقل انتخابات در راستای آگاهی‌دهی و نهادینه‌سازی فرهنگ انتخاباتی، بلند بردن ارتقای ظرفیت کارمندان کمیسیون و موضوعات تخنیکی بیش



با گذشت بیش از یک ماه، ترور یمایا سیوش هنوز مبهم است

ترور و قتل هدفمند خبرنگاران در وزارت داخله است، به روزنامه ۸صبح گفت، بانک مرکزی معلوماتی که باید برای وزارت داخله ارایه می‌کرد را به امنیت ملی فرستاده است. او افزود که به همین دلیل تا زمانی که بررسی‌های امنیت ملی در این مورد پایان نیابد، وزارت امور داخله و فدراسیون خبرنگاران افغانستان اجازه مداخله را ندارند. آقای مجددی هرچند بررسی قضایای ترور و انفجارها را معلق خواند، اما تاکید کرد که حکومت باید معلومات را با مردم و رسانه‌ها در میان بگذارد تا موضوع واضح شود.

پیش‌تر داوود سیوش، پدر یمایا سیوش، در بیست‌وششم عقب در شکایت‌نامه‌ای رسمی، ترور پسرش را «میهم» و «پرسش‌برانگیز» اعلام کرد و خواهان بررسی این قضیه از سوی حکومت شد. او در شکایت‌نامه‌اش ضرب‌الاجل یک ماهه را برای حکومت تعیین کرد. نمونه‌هایی از این شکایت‌نامه به ارگ ریاست جمهوری، ریاست بانک مرکزی، ریاست مجلس نماینده‌گان، دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، کمیسیون مستقل حقوق بشر، محکمه بین‌المللی لاهه، وزارت امور داخله، ریاست امنیت ملی و دادستانی کل فرستاده شده است. وی در آن شکایت‌نامه گفته بود که اگر عاملان این رویداد مشخص نشوند، حکومت را قاتل خواهد خواند و به محکمه بین‌المللی لاهه مراجعه خواهد کرد. یمایا سیوش، مشاور مطبوعاتی بانک مرکزی، با دو همکارش در نتیجه انفجار یک ماین در کابل جان باخت. این انفجار در هفدهم عقب رخ داد و هیچ گروهی مسوولیت آن را برعهده نگرفت. طالبان اما دست داشتن در آن را رد کردند.

انتقاد قرار می‌گیرد، زیرا مشخص می‌شود که هیچ نوع کارایی در راستای رسیده‌گی به پرونده‌های ترور خبرنگاران ندارد. وی داشتن سرخ و در میان نگذاشتن آن را تخطی از قانون خواند. صدیق‌الله توحیدی پیرامون پرونده یمایا سیوش سه سناریو را مطرح می‌کند. به باور او، ممکن حکومت کوچک‌ترین معلوماتی در مورد به دست نیاورده و موفق به تشخیص متهم واقعی نشده باشد. مورد دوم این است که معلومات را در اختیار دارد، اما آن را در میان نمی‌گذارد، زیرا معتقد است که به زبان حکومت تمام می‌شود. آقای توحیدی افزود که اگر این دو مورد نباشد، در آن صورت حکومت مقصر این رویداد است. وی تصریح کرد که باید نهادهای کشفی و تحقیقی این پرونده را بررسی و حکومت نیز معلومات را دست‌کم با خانواده قربانی شریک کند.

مجبیب خلوتگر، رییس اجرایی نهاد حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) می‌گوید که حکومت در راستای بررسی قتل خبرنگاران، به ویژه ترور یمایا سیوش، به صورت جدی کار نمی‌کند. او با اشاره به این موضوع گفت که حکومت خاموشی اختیار کرده است و این مورد بی‌باوری مردم به حکومت را بیش‌تر می‌کند. فدراسیون خبرنگاران افغانستان نیز می‌گوید که هنوز معلومات از دفتر بانک مرکزی در اختیار این فدراسیون قرار نگرفته است. حجت‌الله مجددی، عضو فدراسیون خبرنگاران افغانستان که عضو هیأت بررسی قضایای

می‌گذرد، اما پولیس هنوز نتوانسته در مورد این رویداد جزئیات ارایه کند. خانواده وی پیش‌تر به حکومت ضرب‌الاجل تعیین کرده بود که عاملان این رویداد را تا امروز چهارشنبه، بیست‌وششم عقب، مشخص کند. با این حال، هیچ نشانه‌ای از پیش‌رفت در این پرونده به رسانه‌ها درز نکرده است. طارق آربین، سخنگوی وزارت امور داخله، روز سه‌شنبه، بیست‌وپنجم قوس، گفت که پرونده ترور یمایا سیوش و دو همکارش هنوز زیر بررسی قرار دارد و در صورتی که نهایی شود، این نهاد جزئیات آن را همه‌گانی خواهد کرد. وی اما در مورد این که کار این پرونده چه‌قدر پیش‌رفت داشته، معلومات نداد. بکتاش سیوش، برادر یمایا سیوش، به روزنامه ۸صبح می‌گوید، در صورتی که بررسی نهادهای کشفی و تحقیقی نتیجه ندهد، آنان موضع‌شان در این مورد را اعلام می‌کنند.

نهادهای حامی رسانه‌ها معتقد اند که حکومت همواره بر قضایای قتل خبرنگاران سرپوش گذاشته است. صدیق‌الله توحیدی، مسوول دادخواهی کمیته مصونیت خبرنگاران، گفت که هرچند حکومت پس از ترور یمایا سیوش گفته بود قضیه را بررسی می‌کند و چند روز پس از آن از دست‌یافتن به اسنادی خبر داده بود، اما در مورد این سرخ‌ها هیچ‌گونه معلوماتی با مردم در میان نگذاشته است. وی تاکید می‌کند که اگر حکومت سرخ‌ی دارد، باید آن را به گونه رسمی یا غیررسمی با رسانه‌ها در میان بگذارد. به گفته آقای توحیدی، اگر این کار انجام نشود، حکومت مورد

ضرب‌الاجل تعیین شده از سوی خانواده یمایا سیوش برای بررسی قضیه ترور وی، رو به پایان است. با این حال حکومت هنوز نتایج بررسی‌هایش را با رسانه‌ها و خانواده یمایا سیوش در میان



زهرا عطایی

نگذاشته است. اعضای خانواده یمایا سیوش یک ماه پیش در شکایت‌نامه رسمی به چندین نهاد، ترور این فعال رسانه‌ای را پرسش‌برانگیز خواندند و برای تشخیص عاملان ترور او یک ماه ضرب‌الاجل تعیین کردند. مسوولان در وزارت امور داخله می‌گویند که قضیه ترور یمایا سیوش هنوز هم زیر بررسی قرار دارد. این نهاد اما در مورد پیش‌رفت‌های این پرونده جزئیات نمی‌دهد. اعضای خانواده یمایا سیوش تصریح می‌کنند که در صورت نتیجه ندادن بررسی‌های پولیس، آنان موضع‌شان در این مورد را اعلام می‌کنند. پیش‌تر پدر وی گفته بود که در صورت پیدا نشدن عاملان ترور یمایا سیوش، حکومت قاتل وی شناخته می‌شود و آنان به دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت می‌کنند. نهادهای حامی رسانه‌های افغانستان نیز حکومت را مقصر می‌دانند و به این باور اند که قضایای قتل خبرنگاران، به ویژه ترور یمایا سیوش، به صورت جدی پی‌گیری نمی‌شود. هرچند نزدیک به یک‌ونیم ماه از ترور یمایا سیوش، مشاور مطبوعاتی بانک مرکزی و دو همکارش

◆ فخرالدین قاریزاده

اصلاحات از ضروریات اساسی یک سازمان و نهاد برای تحرک و پویایی است. هیچ اداره‌ای در غیاب ایجاد اصلاحات نمی‌تواند، پیش‌رفت داشته باشد و به عرضه خدمات سامان‌مند برای مردم بپردازد. اصلاحات بر مبنای یک طرح علمی و عملی که در آن تمام جوانب قابل تطبیق است و هر اقدام و کنش را که منجر به بروز رویداد سازمانی شود، نمی‌توان اصلاحات نامید. اندیشمندان علم مدیریت، تغییر ساختار تشکیلاتی در سازمان‌ها را دردناک‌ترین، تغییر ساختار سازمانی می‌دانند؛ زیرا معتقدند که شکستن یک ساختار پیش از آن‌که گزینه بدیلی ایجاد شده باشد، می‌تواند به ورشکستگی سازمان‌ها منجر شود. اصلاحات نباید رنگ سیاسی و سلیقه‌ای داشته باشد؛ آنچه که از نزدیک به ۲۰ سال در افغانستان وجود دارد.

اصلاحات در افغانستان به معنای حذف یکی و جای‌جایی دیگری معنا می‌دهد. در نزدیک به دو دهه اخیر در افغانستان، افزون بر سایر بخش‌ها، برای ارتقای ظرفیت ادارات تلاش‌های فراوان صورت گرفت و مبالغ هنگفت از کمک‌های جهانی به این منظور مصرف شد. اما ارزیابی‌ها در پایان ماه‌های دهه دوم این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که نهادسازی در افغانستان یک تجربه ناکام بوده است و حلقات مشخص و صاحب قدرت در درون حکومت با ایجاد نهادهای موازی به تضعیف نهادهای ملی پرداختند. اداره و سازمان در افغانستان در خدمت افراد، گروه‌های قومی و حزب‌های سیاسی با نفوذ قرار دارد. در نهادهای افغانستان، ساختار و سیستم با تغییر هر کارگزار دچار تحول می‌شود و هر مدیر برای خود طرح و ساختار تشکیلاتی مشخص دارد. از آنجایی که قدرت سیاسی در حکومت‌های ۱۹ سال پسین افغانستان، به خصوص پس از ۲۰۱۴ تاکنون بسیار برجسته است، این تقسیم چوکی‌های کابینه و کدهای مالی بود که تنش‌های سیاسی برخاسته از دو دور انتخابات افغانستان را پایان بخشید. به هر حال، این تقسیم قدرت در درون حکومت بین دسته‌های انتخاباتی و در بین دسته‌های انتخاباتی میان اقوام و احزاب - به شدت فرآیند نهادسازی در افغانستان را صدمه زده است. باور مسلط در بین رهبران نهادهای ملی که پس از هر رویداد سیاسی هم‌چون انتخابات مقرر می‌شوند، این است که اداره تحت رهبری‌شان حق مسلم آدرسی است که از آن طریق معرفی شده‌اند. بنابراین، تلاش می‌کنند با حذف بسیاری‌ها و حتی تغییر ساختار تشکیلاتی، کسانی را

مشق و مرجع

دروزارت معادن و پترولیم

جابه‌جا کنند که اشتراکات قومی، حزبی و زبانی دارند. در چنین وضعیتی هزاران تن قربانی می‌شوند، وظایف خود را از دست می‌دهند و سازمان به یک تحول منفی که آن‌را منفعل می‌سازد، دچار می‌شود. نمونه بارز این مورد را می‌توان در اقدام وزارت معادن و پترولیم که به تازه‌گی به اجرا در آورده است، مشاهده کرد.

آن‌گونه که پیش‌تر تذکر یافت، در سازمان‌ها و اداره‌های افغانستان هر مدیر از خود سیاست و سلیقه‌های متفاوت دارد. رهبران سازمان‌ها در افغانستان تمایل دارند که با آغاز به کار، ساختار تشکیلاتی جدید و برابر به خواست‌شان داشته باشند. این امر از تعریفی منشأ



می‌گیرد که مدیران از اصلاحات، ایجاد تحرک و پویایی در اداره شان دارند. محمد هارون پخوانسوری که تازه به حیث وزیر معادن و پترولیم افغانستان از مجلس نماینده‌گان رأی اعتماد گرفته است، بی‌آن‌که هفته‌ای از این رویداد گذشته باشد، به تطبیق برنامه‌های آغاز کرده که شورش درون‌سازمانی را در قبال داشته است. تطبیق برنامه تنقیص صدها بست و بی‌سرنوشت‌سازی بیش از ۱۲۰۰ کارمند سابقه‌دار این وزارت در وضعیتی به تطبیق گرفته شده که هنوز این وزارت کارمندان

قانون اساسی افغانستان، تمام شهروندان کشور را از حقوق برابر برخوردار کرده است و هر نوع تبعیض و برتری‌جویی قطعاً محکوم به شکست است. افغانستان به وحدت و هم‌دیگرپذیری ضرورت دارد و رهبران نهادهای ملی باید برنامه‌های خود را به گونه‌ای تدوین و تنظیم کنند که هیچ شهروند افغانستان زیان نبیند. نهادهای ملی، ملکیت شخصی هیچ مافیای سیاسی، اقتصادی و تیکه‌دار قومی نیست. بر اساس قانون، تمام شهروندان افغانستان حق دارند کار کنند؛ اما تقسیم کار باید بر مبنای شایسته‌گی، لیاقت و تخصص صورت گیرد.

جدید را برای پیش‌برد وظایف این افراد استخدام نکرده است. چخانسوری زمانی که در وزارت خارجه به حیث معین و سرپرست این وزارت کار می‌کرد، بی‌هیچ ارزیابی و آسیب‌شناسی، طرح عزل صدها دیپلمات را برای منظوری به ارگ فرستاد؛ اما به دلیل مقاومت دیپلمات‌ها، تطبیق این طرح عقیم شد.

برکناری گروه صدها نفری که هر کدام از این‌ها، دست‌کم بین پنج تا ده نفر را سرپرستی می‌کند، نه اصلاحات است و نه هم یک اقدام قابل تطبیق. متفکران حوزه مدیریت به این باور هستند که حذف گروهی کارمندان از یک سازمان برای ایجاد اصلاحات، افزون بر این‌که هدف مورد نظر را به تطبیق نمی‌گیرد، در مقابل به فروپاشی نظم موجود در سازمان منجر می‌شود. این روند در وزارت معادن از یک هفته به این سو جریان دارد و به دلیل اعتراض و تحصن کارمندان، هیچ نوع خدمات برای مراجعه‌کننده‌گان عرضه

نمی‌شود و فعالیت اداری در تمام بخش‌ها فلج شده است. از آنجایی که استخدام و عزل کارمندان خدمات ملکی بر اساس قوانین و مقرره‌ها انجام می‌یابد؛ بنابراین هر نوع برخورد سلیقه‌ای برای خانه‌نشین ساختن کارمندان موجود یک اداره منطقی ندارد.

وزارت معادن در اعلامیه‌ای برای توجیه این عمل خود گفته است که بسیاری از این کارمندان دوره خدمت خود را تکمیل کرده و به تقاعد با عزت سوق داده شده‌اند؛ اما ۹۰ درصد از کارمندان برکنار شده را جوانان بین سن ۲۵ تا ۴۰ سال تشکیل می‌دهند. شناختی که از برخی از کارمندان این وزارت دارم، آنان کسانی هستند که طی سه تا پنج سال اخیر در بخش‌های مختلف این وزارت به کار گماشته شده‌اند. در صورتی که کارمندان شامل فهرست حذف از وزارت معادن، شایسته‌گی، لیاقت و تخصص انجام وظایف محوله خود را نداشته باشند، در این صورت، این کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی است که پس از یک ارزیابی دقیق و همه‌جانبه در مورد تصمیم می‌گیرد. انجام هر عمل مبتنی بر قانون باشد و مدیران و رهبران نهادها از هرگونه خودسری پرهیز کنند که افزون بر فروپاشی سازمان، پیامدهای ناگواری اجتماعی نیز در پی خواهد داشت.

قانون اساسی افغانستان، تمام شهروندان کشور را از حقوق برابر برخوردار کرده است و هر نوع تبعیض و برتری‌جویی قطعاً محکوم به شکست است. افغانستان به وحدت و هم‌دیگرپذیری ضرورت دارد و رهبران نهادهای ملی باید برنامه‌های خود را به گونه‌ای تدوین و تنظیم کنند که هیچ شهروند افغانستان زیان نبیند. نهادهای ملی، ملکیت شخصی هیچ مافیای سیاسی، اقتصادی و تیکه‌دار قومی نیست. بر اساس قانون، تمام شهروندان افغانستان حق دارند کار کنند؛ اما تقسیم کار باید بر مبنای شایسته‌گی، لیاقت و تخصص صورت گیرد. رویدادهای بسیاری، دست‌کم در هفت سال اخیر، به خصوص در سایه حکومت وحدت ملی و اکنون در زیر چتر حکومت مشارکتی وجود دارد که قطعاً در برابر بسیاری از کارمندان ادارت مختلف دولتی بی‌عدالتی صورت گرفته است. مذهب، قومیت، زبان و وابسته‌گی‌های سیاسی نباید معیار استخدام و کاردهی در ادارات دولتی افغانستان باشد که بدبختانه چنین است.

اخلاق سیاسی، مشق دموکراسی، گدا ۹۱

◆ دکتر نفیسه حقیقی

به منافع ملی و سکوی پرش نخبه‌گان سیاسی می‌شود. خاصیت جنگ و ناامنی همین بوده است؛ خلق ملت راضی به حداقل‌ها و پروردن حرص خواص و طبقه جنگ‌سالار.

چاره چیست؟ برای آشتی‌دادن سیاست و سیاسیون با اصول اخلاق سیاسی و رفع موانع کارآمدی دموکراسی چه باید کرد؟ بدون شک تقویت مشارکت مردمی و نقد اخلاقی هوشمندانه، شفاف، عینی و مستمر قدرت سیاسی، بهترین راه برطرف کردن کوررنگی اخلاقی سیاسیون و بالا بردن آستانه حساسیت اخلاقی اهالی سیاست است. این مهم میسر نمی‌شود؛ مگر در سایه تلاش نخبه‌گان فرهنگی، روشن‌فکران و جامعه مدنی. در حقیقت به همان نسبت که بی‌اخلاقی حاکمان، موثریت نظام‌های مردم‌سالار را تحت شعاع قرار می‌دهد، در جانب دیگر تثبیت ساختارهای مدنی، صنفی، حقوقی و سایر نهادهای دموکراتیک رشد اخلاقی به بار می‌آورد. سخن آخر این‌که درست است در جامعه ما تمرین مشارکت مردمی عمر چندانی ندارد، درست است که جز در این چند صباح اخیر، فرصت آن چنانی برای مشارکت قانونمند در تعیین سرنوشت ملی خویش نداشتیم و همین امر میان ما و بلوغ اخلاقی و مدنی فاصله انداخته است؛ ولی با این همه ما ملتی رو به جلو هستیم. ما ملتی در حال پوست‌اندازی و درونی‌سازی ارزش‌های جهان نو و پذیرش سازوکارهای نظامی نو هستیم. ما در نقطه‌ای قرار داریم که حفظ جمهوریت به اولویت نخست‌مان بدل شده است. ما در حال رقم‌زدن تاریخ زایش ارزش‌ها و حرکت‌های مدنی هستیم. افغانستان امروز شاهد بلندشدن صداهایی است که در گذشته استبدادزده و انحصارجوی پشت سر، حبس و خفه شده بودند؛ صدای اقلیت‌ها، صدای مذهب‌ها، صدای زنان، صدای اصحاب رسانه، صدای جوانان، صدای جامعه مدنی و صدای مردم.

متأسفانه در کشور ما چالش‌های امنیتی موجود، دغدغه عدالت و اخلاق را به حاشیه رانده است و در عوض امنیت و سایر نیازهای طبیعی اولیه به حساسیت و مطالبه جدی جامعه بدل شده است. تا وقتی که جریان خشونت و انتحار به صورت سیستماتیک، روزانه جان عده‌ای غیر نظامی بی‌گناه را می‌گیرد و کشور عرصه ماجراجویی‌های شرم‌آور قدرت‌ها است، بی‌عدالتی‌ها، حق‌تلفی‌ها، فساد و سایر امراض بدخیم مردان و زنان سیاست، از دایره دید و دغدغه افکار عمومی دور می‌ماند.

به گارد حفاظتی شخصیت‌های سیاسی تقلیل می‌یابد. نسل جوان تحصیل‌کرده‌ای که به برکت بازوی تلاش ملت، با هزار خون دل به مرحله ثمردادن رسیده‌اند، پرپر می‌شوند، بی‌آنکه وجدان مسوولی به درد آید، یا صدای معذرت‌خواهی بلند شود. وزیران رأی اعتماد نماینده‌گان مردم را می‌خرند و اهالی سیاست منابع ملی را به دست‌رخوان شخصی‌شان سرازیر می‌کنند. متأسفانه در کشور ما چالش‌های امنیتی موجود، دغدغه عدالت و اخلاق را به حاشیه رانده است و در عوض امنیت و سایر نیازهای طبیعی اولیه به حساسیت و مطالبه جدی جامعه بدل شده است. تا وقتی که جریان خشونت و انتحار به صورت سیستماتیک، روزانه جان عده‌ای غیر نظامی بی‌گناه را می‌گیرد و کشور عرصه ماجراجویی‌های شرم‌آور قدرت‌ها است، بی‌عدالتی‌ها، حق‌تلفی‌ها، فساد و سایر امراض بدخیم مردان و زنان سیاست، از دایره دید و دغدغه افکار عمومی دور می‌ماند. به همین دلیل است که وقتی لیست ریخت‌پاش‌های سرسام‌آور بالانشین‌ها رسانه‌ای می‌شود، جامعه را یکی دو روز در بهت و شوک فرو می‌برد و خیلی زود به فراموشی سپرده می‌شود. در حقیقت جنگ، چنان انرژی از ملت گرفته است و می‌گیرد که دیگر رمقی برای پی‌گیری پرسش‌ها و مطالبات عدالت‌خواهانه باقی نمی‌ماند. نتیجه این می‌شود که عرصه سیاست، به دور از نظارت و نقد جدی مردم، مستعد پشت‌کردن خواص

به سیاست را اخلاق می‌داند و غایت سیاست و اخلاق را خیر انسان. برگردیم به زمینه و زمانه خود مان. عقل جمعی و خرد فرهنگی امروز بشر، دموکراسی را بهترین شیوه حکمرانی تاکنون شناخته‌شده، می‌داند؛ ولی آیا با حضور نظام جمهوری از اخلاق بی‌نیاز خواهیم بود؟ تجربه تاریخی بشر نشان داده است که نظام‌های سیاسی حتی از نوع مردم‌سالار آن در همراهی با بلوغ اخلاقی و مدنی مردم و حکمرانان است که کارایی خود را بروز می‌دهند. بدون توسعه بنیان‌های اخلاق سیاسی، تمرین سیاست‌ورزی دموکراتیک با مشکل مواجه می‌شود. منظور از بنیادهای اخلاق، مجموعه اصولی است که عدالت‌ورزی را تضمین می‌کند - اموری از قبیل به رسمیت‌شناختن حقوق برابر شهروندان، حق مشارکت یک‌سان در انتخاب سرنوشت، صداقت در برابر ملت، احترام به مردم و احساس مسوولیت در قبال مسایل عمومی جامعه. در غیبت هر یک از این اصول، سیرت و خلق و خوی دموکراتیک به صورت بی‌روح تبدیل خواهد شد. تفکیک قوا و انتخابات به جای تضمین مشارکت مردم و تأمین منافع ملی، عامل تاخت و تاز فرصت‌طلبان، رواج عوام‌فریبی و انحصار منابع ملی در چنگ اقلیتی خاص می‌شود. حکمرانان با خلق دروغ‌های بزرگ رأی ملت را می‌خرند و مسند قدرت را از ابزار خدمت، به وسیله چپاول سرمایه‌ها و منابع ملت بدل می‌سازند. ریاست امنیت

همه ما کم و بیش گرفتار نوعی اعتیاد به «خبر» هستیم. از کوچک‌ترین فرصت‌ها برای مرور خبرهای ملی و بین‌المللی غافل نمی‌شویم. سرخط آشنای خبرهای رسانه‌ای که روز و شب در معرض آن‌ها قرار داریم، از این دست است: فساد اداری در ادارات کشور، حمله بر مرکز آموزشی، اختلاس از بودجه مربوط به کرونا، خشونت پولیس علیه رنگین‌پوستان، امضای قرارداد فروش اسلحه کشور فلان با کشور بهمان، بی‌جاشدن ده‌ها خانواده در اثر ناامنی، مردی که همسرش را به ضرب چاقو کشت - انگیزه اقدامش را فقر عنوان کرد و ...

این طور که پیدا است بوی خوشی از اوضاع جهان به مشام نمی‌رسد. گویی چیزی در این میان غایب است؛ چیزی که بشر هرچه از آن فاصله می‌گیرد، بیش‌تر به سراسیمه سقوط نزدیک می‌شود. کیست که با دیدن و شنیدن اخباری از این دست وجدان اخلاقی‌اش درگیر نشود. اخلاق از هر چیز دیگری برای سیاست مهم‌تر است. اگر کسی بگوید که گم‌شده انسان امروز و ضرورت ما مردم، سیاست اخلاق‌مدار است، راست گفته است. اخلاق دغدغه همیشه‌گی متفکران در امر سیاست بوده است. همه با این اندیشه سقراط آشناییم که می‌گفت اولویت نخست دانش سیاسی آشناسدن مردم با وظایف و تکالیف اخلاقی‌شان است. «اخلاق نیکوماخوس»، یکی از مهم‌ترین آثار حکیم یونان (ارسطو)، دروازه ورود



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

سال سیزدهم
قیمت: ۲۰ افغانی

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه
فروشگاه ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲
۰۷۸۰۷۴۷۴۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۳۶۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

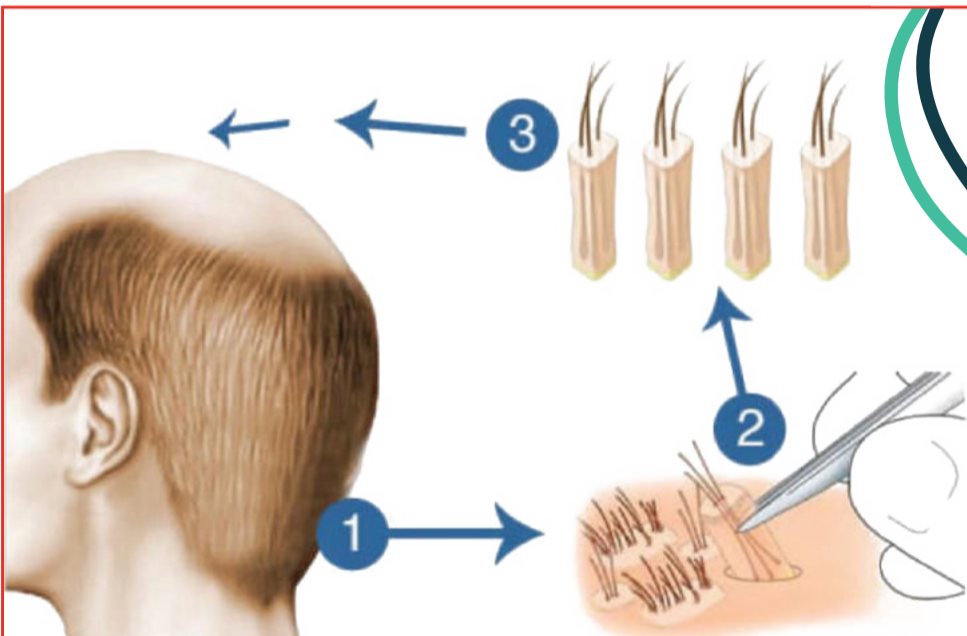
شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



BARTARTECH
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com

کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰ / ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی ستر

◆ **مهران موحد**

ابوالحسن ندوی (۱۹۱۳–۱۹۹۹) از نویسنده‌گان و نظریه‌پردازان مسلمان شبه‌قاره هند است که می‌توان وی را در جرگه اندیشمندان سنت‌گرا قرار داد که معتقدند سنت اسلامی می‌تواند مشکلات و بحران‌های جهان اسلام را گره‌گشایی کند. تألیفات پرشماری از ندوی به جا مانده است که بخشی از آن‌ها مخاطبان پرشماری در سراسر کشورهای اسلامی پیدا کرده و مقبولیت عام یافته است. او در درازای زنده‌گی‌اش با احزاب، گروه‌ها و نویسنده‌گان مسلمان در سراسر جهان مروده و دادوستد داشت و این مرآورده‌ها و معاشرت‌ها اثرات تعیین‌کننده در اندیشه مسلمانان و جریان‌های اسلامی به جا گذاشته است.

یکی از کتاب‌های مهم، نغز و تأمل‌انگیز ابوالحسن ندوی، کتابی است به عنوان «تفسیر سیاسی اسلام». این کتاب برخلاف دیگر کتاب‌های ندوی نسبتاً کم‌حجم؛ اما پرمغز و حاشیه‌ساز است. او در این کتاب کوشیده است پاره‌ای از نظرات مودودی و به تبع او سید قطب را از پرویزن نقد بگذراند و راستی‌آزمایی کند.

ندوی این کتاب را به «مسلمانان مومن و آزاده‌ای که معتقدند کسب رضای خدا و عمل به قرآن و سنت و نیل سعادت اخروی، هدف نهایی هر فرد مسلمان است و هرچه غیر از این‌ها است – از قبیل تشکیل حکومت اسلامی و نهضت‌های دینی و برانداختن حکومت‌های غیرخدایی و دیگر فعالیت‌های مذهبی – مقدمات و وسایلی است که جهت اعتلای اسلام و رسیدن به اهداف فوق‌الذکر به کار برده می‌شود» اهدا کرده است. از لحن این اهدا به درستی دانسته می‌شود که ندوی در نوشتن این کتاب دقیقاً برآوردن چه مقصودی را در سر می‌پرورانده است.

ندوی در مقدمه‌ای که برای چاپ دوم کتاب نگاشته، متذکر شده است که این کتاب را در زمان حیات مودودی نوشته و نسخه‌ای از آن‌را پیش از انتشار عمومی به ابوالاعلی مودودی فرستاده است و مودودی در طی نامه‌ای از ندوی تشکر کرده و از او خواسته است که سایر کتاب‌هایش را نیز مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. در این مقدمه ابوالحسن ندوی از هواداران «جماعت اسلامی» در پاکستان گلابه می‌کند که واکنش‌های بسیار تند نسبت به این «نقد ملایم و محتاطانه که فقط در چارچوب علمی و فکری نوشته شده است» نشان داده‌اند. نیز ندوی به فضای شخصیت‌پرستی که در میان هواداران مودودی شکل گرفته و موجب شده است که انتقاد از رهبر و بنیان‌گذار جماعت اسلامی پذیرفتنی نباشد، اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که دشوارترین کار برای حزبی که (فقط بر اساس نوشته‌ها و افکار یک فرد پایه‌گذاری شده است)، همانا به دورماندن از تعصب و مصون‌ماندن از افراط در بزرگ‌داشت شخصیت بنیان‌گذار حزب و تعظیمی در حد تقدیس برایش قایل‌بودن است.

اصلاح سیاسی یا اصلاح فرهنگی و اخلاقی؟

یکی از مهم‌ترین نکاتی که ابوالحسن ندوی در این کتاب روی آن پافشاری می‌کند، این است که راه‌حل برای برون‌رفت از مشکلات موجود در جامعه‌های اسلامی اصلاح سیاسی نیست؛ بلکه اصلاح اخلاقی و فرهنگی است و اگر قرار باشد دگرگونی و اصلاح سیاسی پایداری پدید آید، برگرفته از اصلاح اخلاقی و فرهنگی خواهد بود.

ابوالحسن ندوی در کتاب «تفسیر سیاسی اسلام» تحولات سیاسی، فرهنگی و فکری که از آغاز قرن نوزدهم در جهان اسلام روی داد را مرور می‌کند و به این مسأله می‌پردازد که تسلط مادی اروپا و پیش‌رفت‌های خیره‌کننده آن در عرصه‌های تکنیک و علوم تجربی از یک‌سو و انحطاط و عقب‌مانده‌گی که مسلمانان به آن دچار شده بودند از سوی دیگر موجب شده بود که عده‌ای از روشن‌فکران مسلمان که با غرب آشنایی یافته و عظمت خیره‌کننده آن‌را از نزدیک مشاهده کرده بودند، نسبت به عقاید اسلامی متنفر و گرفتار ارتداد فکری شوند.

به قول ندوی، در این زمان بود که از گوشه و کنار جهان اسلام، جریانی سر برآورد که با جریان غرب‌گرا دست به مقابله زد و از شریعت، تاریخ، تمدن و حکومت اسلام به دفاع پرداخت. به اعتقاد ندوی، کوشش‌های این جریان در این راستا هرچند نتایج مثبتی داشت؛ اما کافی نبود و دارای نقایص و نارسایی‌هایی نیز بود، از جمله این‌که این جریان می‌کوشید فاصله میان اسلام و تمدن غرب را کم‌تر کند و می‌خواست واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی و اقتصادی غربی را بی‌پروا با آموزه‌ها و مفاهیم اسلامی تطبیق دهد و از متون دینی آن برداشت‌هایی را ارایه

ندوی و مودودی؛

اسلام عارفانه در برابر اسلام سیاسی

بی‌گمان، جهان اسلام همیشه نیازمند اشخاصی همانند ابوالحسن ندوی است که از ملامت ملامت‌گران نهراسند و شجاعت اخلاقی به خرج دهند و با قلم‌های بران خود مسوولانه جلو جریان‌های انحرافی را که خوانش غلط و بدنام‌کننده از اسلام عرضه می‌کنند را بگیرند.

دستور و بلاغت زبان عربی به کنه معانی آن دست یابد. از سوی دیگر، دین اسلام تنها از راه نصوص دینی به ما نرسیده؛ بلکه مفاهیم آن نسل اندر نسل از طریق عمل مسلمانان انتقال یافته است و این مفاهیمی که مودودی ادعا می‌کند که دچار سوء فهم شده، مفاهیمی است که به تواتر به ما رسیده است و هیچ شک و تردیدی در آن روا نیست. ندوی در این زمینه از عقل سلیم هم استمداد می‌کند و می‌گوید که عقل سلیم نیز ایجاب نمی‌کند که در سراسر تاریخ اسلام و با وجود هزاران عالم برجسته و تدوین‌کننده علوم و فنون، حقایق اساسی اسلام از نظرها پوشیده مانده باشد و تنها در میانه قرن بیستم میلادی مودودی و هم‌فکرانش به این حقایق دست‌رسی پیدا کرده باشند.

ندوی در مقام نقد سخنان پیش‌گفته مودودی، حرف‌های حسن هضیبی، رهبر وقت اخوان‌المسلمین در کتاب «دعاهُ لا قضاة» را نقل می‌کند. هضیبی می‌نویسد که قرآن مجید خود به صراحت معانی این واژه‌ها را بیان کرده است و هیچ‌کس نمی‌تواند در این تردید روا دارد که روش قرآن از هر کتاب دیگری روشن‌تر و واضح‌تر است و ما را از مفاهیمی که قبل از نزول قرآن برای این واژه‌ها رایج بوده است، بی‌نیاز می‌کند. هضیبی این را هم متذکر می‌شود که عرب‌های جزیرهٔالعرب از قبایل مختلف تشکیل یافته بودند، با زبان‌های گوناگون سخن می‌زدند، بی‌سواد بودند، در تاریکی‌های انحطاط قرار داشتند و با علوم و فنون آشنایی نداشتند. با این حساب، چه طور امکان داشته است که چنین افرادی با مفاهیم قرآن آشنایی داشته باشند؛ اما وقتی اسلام ظهور می‌کند و نور و دانش را به هر سو می‌پراکند و مردم را با افق‌های باز آشنا می‌کند، این معانی در پرده ابهام باقی بماند؟

ندوی حتا مدعی می‌شود که با این بدبینی عجیب و غریب مودودی نسبت به تاریخ اسلام، اگر جوان تحصیل کرده به صورت دربست حرف‌های مودودی را بپذیرد و نسبت به عصرهای پس از عصر پیامبر با دیده تردید بنگرد، نسبت به جاویدانه‌گی پیام قرآن و نیز نسبت به حاصل‌خیزی تربت پاک اسلام دچار تردید می‌شود و در نظر او کلیت اسلام زیر پرسش خواهد رفت.

سایه سنگین سیاست بر الهیات‌شناسی مودودی
به نظر ندوی، این سخن مودودی که اصل محوری و نقطه مرکزی اصطلاحات زیربنایی قرآن حاکمیت و سلطه «اله و رب» است و «دین و عبادت» هر دو، راهی به جهت رسیدن به آن نقطه مرکزی می‌شود، در واقع نعل وارونه‌زدن و استفاده از مفاهیم قرآنی به منظور اهداف سیاسی کوتاه‌مدت است. ندوی می‌گوید که از سراسر کتاب «اصطلاحات چهارگانه» این‌گونه برداشت می‌شود که اصل رابطه انسان با خدا همان تعلق حاکم و محکوم و رابطه ملت و دولت و روح اصلی اسماعی حساسی خداوند همان حاکمیت مطلق است و گویا هدف اساسی بعثت و دعوت پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی تنها قبولاندن و تحمیل حاکمیت و سلطه خدا است. با این حال، ندوی معتقد است که این امر تنها می‌تواند بخش کوچکی از رابطه خدا و مخلوق را بازتاب دهد و اگر تنها این رابطه را به همین محدوده خلاصه کنیم، به رابطه خشک و بی‌روح بدل خواهد شد. این‌که از میان همه صفات بی‌شمار خدا فقط روی صفت حاکمیت او تکیه کنیم، در واقع خدا را در محدوده کوچک خلاصه کرده‌ایم و به درستی نشناخته‌ایم. به نظر ندوی، اگر این اعتقاد را ترویج کنیم که هدف اصلی بعثت پیامبران ایجاد انقلاب سیاسی بوده است، این خطر جدا وجود دارد که تلاش و جد و جهد ما به جای این‌که به خاطر خدا و آخرت باشد، آلوده به اغراض کوچک دنیوی شود و سر از قدرت‌طلبی محض درآورد.

در همین راستا ندوی می‌نویسد که مودودی تعریف‌هایی که از توحید و شرک ارایه کرده است نیز به شدت رنگ و بوی سیاسی دارد. به باور ندوی، معنای اولی و مهم شرک در قرآن و اسلام همان بت‌پرستی و عبادت خدایان ساخته‌گی است. این‌که کسی مثل مودودی می‌آید فرمان‌بری از غیر خدا و تسلیم قدرت حاکمه‌شدن و پذیرش قوانین غیرالهی و وضعی را در تعریف شرک داخل می‌کند، کار درستی نمی‌کند. این‌ها مظاهر شرک جلی نیست؛ بلکه ممکن است در مرتبه دوم قرار گیرد. سراسر متون دینی به صراحت نشان می‌دهد که شرک به همان معنای شناخته‌شده‌اش از اهمیت اصلی برخوردار است و باید مبارزه با آن، بخشی از اصول اساسی دعوت قرار گیرد و اطاعت سیاسی هرگز به آن مرتبه از اهمیت نمی‌رسد.

ندوی این نکته را نیز یادآور می‌شود که مودودی در

مقام بازتعریف «عبادت» و «لوهیت» اصل و فرع را به جای هم می‌نشانند و مسأله را کاملاً وارونه می‌بیند و به حدی دچار هیجان و احساسات می‌شود که گاهی از نماز و ذکر و دیگر آیین‌های عبادی با استخفاف و سبکی یاد می‌کند. این درحالی است که عبادت در نظام اسلام در نقطه مرکزی قرار دارد و مسایلی چون تأسیس حکومت و تمدن از جمله وسایلی است که باید در خدمت این ارکان قرار گیرد.

در دفاع از تصوف

مودودی و امثال او به جهت این‌که می‌خواهند اسلام را در قالب ایدیولوژی ارایه کنند، طبعاً میانه خوبی با تصوف و عرفان ندارند و تجلیات روحانی و جذبات عرفانی و کیفیات باطنی اسلام را کم‌اهمیت می‌شمارند. به همین جهت، مودودی در مقام نقد کارنامه برخی از رهبران درجه‌یک جریان‌های صوفی در شبه‌قاره هند، «تصوف» را اقیون می‌داند و جریان‌های اسلامی را از آلوده‌شدن به این آفت برحذر می‌سازد.

ابوالحسن ندوی در بخش آخر کتاب «تفسیر سیاسی اسلام» بدون پرداختن به ریشه‌های دینی تصوف و عرفان می‌کوشد تا ادعاهای مودودی در خصوص کارنامه تصوف و رابطه تصوف با انزوا، مرده‌وشی، کم‌رمقی و نپرداختن به زنده‌گی را با ترازوی علم و تاریخ بسنجد و این ادعای او را نادرست و ناسازگار با حقایق تاریخی نشان دهد.

ندوی در ادامه نمونه‌هایی از شخصیت‌هایی را در تاریخ اسلام یاد می‌کند که شمشیر و تسبیح را با هم داشتند و جهادگر روز و عابد شب بودند و با قدرت‌های باطل همواره در جنگ. او نشان می‌دهد که رهبری بسیاری از حرکت‌های جهادی و انقلابی در تاریخ به دست کسانی بود که متصوف و از توانایی‌های معنوی بالا برخوردار بودند. ندوی از عصر تاتار سخن می‌زند که دوام دین و دعوت مرهون تلاش‌های صوفیان بود و این تلاش‌ها در نهایت باعث شد پادشاهان تاتار مسلمان شوند و فرهنگ اسلام را بپذیرند. ندوی می‌نویسد که در زمان «اکبر شاه» در هند که همه‌جا را بی‌دینی و شک نسبت به آموزه‌های اسلامی فرا گرفته بود، شیخ احمد سرهندی، رهبری جنبش اصلاحی را برعهده گرفت و با موج بی‌دینی به مقابله برخاست. نیز ندوی مدعی می‌شود که از اوایل قرن نوزدهم تا زمان نوشتن کتاب مورد بحث، همه کسانی که در برابر نیروهای استعماری مقاومت به خرج دادند و جهاد کردند، صوفی‌مشرب و روحانی مسلک بودند: عبدالقادر جزایری، شیوخ نقشبندیه در داغستان روسیه، احمد شریف سنوسی در لیبیا، سید جمال‌الدین افغانی و حسن البنا.

نکته پرمغزی که ندوی در این‌جا طرح می‌کند، این است که «اقامه دین» تنها با بنیادگذاری حکومت صورت نمی‌گیرد؛ بلکه مقصود از آن حفاظت از دین با همه تجلیات آن از انحراف و ناراستی است. تأسیس حکومت، هرچند بااهمیت است؛ اما هدف اصلی دین نیست، بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به اهداف والاتر.

اهمیت کتاب

نقد ابوالحسن ندوی بر نظرات مودودی و سید قطب را می‌توان نقدی ویران‌گر و جدی نامید. با این همه، ناقد در سراسر کتاب مورد بحث، در عین حالی که دیدگاه‌های انتقادی‌اش را بی‌پرده نسبت به کتاب‌های مودودی و سید قطب ابراز می‌کند، لحن ملایم، آرام و نرم را به کار می‌گیرد و هرگز در صدد پرخاش‌جویی و تخریب افراد مورد انتقاد برنمی‌آید. این روش برای ما می‌تواند الگوی آموزنده باشد. با این حال، واکنش‌هایی که در برابر این نقد ملایم از سوی طرف‌داران جماعت اسلامی مودودی صورت گرفت، بیان‌گر این بود که چه‌قدر شخصیت‌پرستی و بت‌تراشی می‌تواند برای مسلمانان خطرناک و زیان‌آور باشد و جلو پویایی و سیالیت فکری را بگیرد.

شاید در زمانی که ابوالحسن ندوی این کتاب را نوشت و منتشر کرد (۱۹۷۹ میلادی)، کسی به ارزش و عمق انتقادهای وی به درستی پی نبرده بود. اما گسترش دم‌افزون گروه‌های خشونت‌طلب و تکفیری و حوادثی که پس از انتشار کتاب تا این لحظه روی داد، این حقیقت را آشکار کرد که نقدهای ندوی بر برخی از متفکران جریان اسلام سیاسی چه‌قدر صائب و دقیق و بصیرت‌افزا بوده است.

بی‌گمان، جهان اسلام همیشه نیازمند اشخاصی همانند ابوالحسن ندوی است که از ملامت ملامت‌گران نهراسند و شجاعت اخلاقی به خرج دهند و با قلم‌های بران خود مسوولانه جلو جریان‌های انحرافی را که خوانش غلط و بدنام‌کننده از اسلام عرضه می‌کنند را بگیرند.

افزایش قضایای حاد خشونت در نیمروز؛ ۱۰ زن در جریان سال جاری به قتل رسیده‌اند

ریاست امور زنان نیمروز باور دارد که آمار خشونت علیه زنان در این ولایت در حال افزایش است. رحیمه دشتی، مدیر عمومی حقوق این ریاست، در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در سال جاری ۱۰۰ قضیه خشونت علیه زنان در این نهاد به ثبت رسیده است که از این میان ۱۰ مورد قتل، یک مورد تجاوز جنسی می‌باشد. واقعات دیگر نیز فرار از منزل، درخواست طلاق به دلیل عدم پرداخت مخارج زنده‌گی، لت‌وکوب و ازدواج‌های اجباری است. از مجموع ۱۰۰ قضیه به ثبت رسیده در این ریاست، ۷۵ دوسیه آن با مشوره و همکاری نهادهای مدافع حقوق زنان حل‌وفصل شده است.



خلیل روسی

زنان در این نهاد به ثبت رسیده است که از این میان ۱۰ مورد قتل، یک مورد تجاوز جنسی می‌باشد. واقعات دیگر نیز فرار از منزل، درخواست طلاق به دلیل عدم پرداخت مخارج زنده‌گی، لت‌وکوب و ازدواج‌های اجباری است. از مجموع ۱۰۰ قضیه به ثبت رسیده در این ریاست، ۷۵ دوسیه آن با مشوره و همکاری نهادهای مدافع حقوق زنان حل‌وفصل شده است.

در سال ۱۳۹۸ خورشیدی نیز ریاست امور زنان نیمروز، به ۱۲۸ مورد خشونت علیه زنان رسیده‌گی کرده بود که شامل هفت قضیه قتل و دو مورد خودکشی بوده است. باور مسوولان این اداره، خشونت علیه زنان در ولایت نیمروز همه‌ساله در حال افزایش بوده و این مسأله سبب نگرانی آنان شده است.

از سوی دیگر ریاست سارنوالی نیمروز می‌گوید که در سال ۱۳۹۹ خورشیدی آمار قتل زنان افزایش یافته، اما در کل خشونت علیه زنان در این ولایت نسبت به سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ به شدت کاهش یافته است. با این‌همه، همه‌گیری کرونا و قرنطین، سبب افزایش خشونت‌ها شده است.

ولایت نیمروز در جنوب‌غرب کشور موقعیت دارد و از ولایت‌های دورافتاده افغانستان است. از دید فعالان مدنی، مردم بومی آن به حقوق زنان احترام ویژه دارند و شرایط برای تحصیل و کار زنان فراهم است. شواهد نشان می‌دهد که عامل بخش بزرگی از خشونت‌ها در برابر زنان، افزایش جنگ‌ها و بیکاری بوده است.

در سال گذشته هم این نهاد به ۲۲ قضیه خشونت علیه زنان رسیده‌گی کرده بود؛ قضایای قتل زنان هم که در این اداره به ثبت رسیده، شامل هفت قضیه در سال ۱۳۹۹ می‌باشد که مسوولیت رسیده‌گی آن، به سارنوالی قتل و جرح ریاست سارنوالی نیمروز سپرده شده است.

نعمت‌الله صدیقی، عضو شورای ولایتی نیمروز، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که کمیته منع خشونت علیه زنان و کودکان در شورای ولایتی، سه عضو دارد. او تأکید می‌کند که تا کنون این کمیته دست‌آوردهایی داشته و توانسته به مشکلات خانواده‌ها رسیده‌گی کند.

ریاست امور زنان نیمروز باور دارد که آمار خشونت علیه زنان در این ولایت در حال افزایش است. رحیمه دشتی، مدیر عمومی حقوق این ریاست، در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در سال جاری ۱۰۰ قضیه خشونت علیه

در سال جاری خشونت‌های شدید مثل قتل و خودکشی نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته، اما آمار کلی خشونت در برابر زنان، آن‌چنان زیاد نیست که نگران‌کننده باشد.

نوریه هوتک، سارنوال اختصاصی منع خشونت علیه زنان در این ولایت، در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح تأکید می‌کند که آمار خشونت علیه زنان نسبت به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ خورشیدی به شدت کاهش یافته و این امر نشان می‌دهد که خانواده‌ها به حقوق زنان در این ولایت احترام دارند.

این مقام محلی می‌افزاید که در سال جاری تاکنون ۱۷ پرونده خشونت به شمول نه قضیه لت‌وکوب، چهار قضیه آزار و اذیت، یک قضیه تجاوز جنسی، یک قضیه اشتراک در قتل، یک قضیه اقدام به خودکشی و یک قضیه ازدواج اجباری را بررسی کرده است.



انعکاس صدها صدا در رابطه با زنان و صلح؛

تلاشی برای ارایه روایت‌های زنان افغانستان

زنان داشته باشیم تا بتوانند در این گفت‌وگوها مسایل زنان را با تیم مخالف مطرح کنند. در حال حاضر زنان در بخش‌های مختلفی، از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ، رسانه، جامعه مدنی و ورزش فعال‌اند و باید از حضور خود در روند صلح نیز دفاع کنند.

شبکه: به نظر شما حضور طالبان در قدرت چه تأثیری بر فعالیت نهادهای مدنی خواهد گذاشت؟

انوش: طبیعی است که ما نگرانی‌هایی جدی در این مورد داریم، از جمله این‌که مبدا فعالیت‌های جامعه مدنی تهدید یا محدود شود. جامعه مدنی نه طرفدار طالب و نه هم طرفدار دولت است و به خاطر عدالت، حقوق شهروندان و ارزش‌ها، ایستاده‌گی و کار می‌کند.

از سوی دیگر انتظار ما این است که فعالیت‌های جامعه مدنی محدود نشود؛ زیرا این نهادها، هیچ‌گاه درگیر جنگ نبوده‌اند و ملکی هستند. هم‌چنین حقوق و آزادی‌های‌شان به هیچ‌وجه نباید محدود شود؛ چون جامعه مدنی یکی از ستون‌های انکشاف برای دولت است که می‌تواند به صورت منظم از کارکردهای دولت نظارت کند و در مورد ارایه خدمات دولت به شهروندان و چگونگی ادای مسوولیت حکومت در برابر اسنادهای بین‌المللی حقوق بشر گزارش تهیه کند و فوق‌العاده در این بخش موثر واقع شود. در کنار این موارد نباید منکر نقش نهادهای امداد رسانی بود؛ فعالیت این نهادها در بخش حقوق بشردوستانه بین‌المللی، معارف، صحت و خدمات دیگر در بیست سال اخیر فوق‌العاده ارزشمند بوده است و ارایه چنین خدماتی باید ادامه پیدا کند.

آقای انوش می‌گوید که فکر نمی‌کند طالبان توانایی این را داشته باشند که قوانین دوران حاکمیت‌شان را در کشور پیاده کنند؛ اما این نگرانی وجود دارد که تلاش آنان برای رسیدن به چنین هدفی به آغاز یک منازعه بینجامد و اگر چنین شود، سرانجام این منازعه نامعلوم خواهد بود.

با چارچوب مذاکرات صلح بوده است و این‌که این مذاکرات به کدام اساس و با کدام مکانیسم‌ها صورت می‌گیرد. نگرانی بزرگ دیگر این است که تا به حال روی آتش‌بس توافق صورت نگرفته است. از سوی دیگر امیدواریم که در چارچوب ساخته‌شده برای مذاکرات صلح، یکی از اصول پذیرفته‌شده حل منازعه افغانستان گفت‌وگو باشد، نه این‌که افراد ملکی را سیر قرار دهیم، مسافران را در شاهراه‌ها به گروگان بگیریم و با حقوق زنان، آزادی بیان و قانون اساسی معامله کنیم.

شبکه: به نظر شما گفت‌وگو با گروهی که پیشینه خوبی، به‌ویژه در رابطه با زنان ندارد به جایی خواهد رسید؟

انوش: کارکرد سپاه طالبان در دوران حاکمیت‌شان در افغانستان به هیچ‌صورت قابل دفاع نیست. به همین شکل افزایش خشونت‌ها از سال ۲۰۰۵ تا امروز که افراد ملی و تأسیسات عام‌المنفعه را آماج قرار می‌دهد نیز هیچ‌یک قابل توجیه نیست؛ اما سوال این است که در صورتی که با این گروه از راه گفت‌وگو پیش نرویم و به نتیجه نرسیم، آیا از راه نظامی به نتیجه خواهیم رسید؟ با کشته‌شدن یک طالب، ده طالب دیگر از اعضای خانواده و اقوام‌شان به این گروه می‌پیوندند؛ به همین دلیل فکر می‌کنم تنها راه‌حل برای این منازعه و چالش، گفت‌وگو است. هم‌چنین باید از فرصتی که با ایجاد ائتلاف جهانی برای صلح به میان آمده است استفاده کنیم، مثلاً کمک‌های مشروط از جانب کشورها و نهادهای بین‌المللی می‌تواند ابزار فشار برای هر دو طرف مذاکره باشد.

شبکه: آیا حضور زنان در گفت‌وگوهای صلح می‌تواند تأثیری بر رویکرد زن‌ستیزانه طالبان داشته باشد؟
انوش: به نظر من تعداد زنان حاضر در این مذاکرات بسنده نیست و ما می‌توانستیم نمایندگان بیشتری از

جامعه مدنی و حقوق بشر است. یکی از اهداف این برنامه، این بود که بتوانیم از این طریق صدای زنان را به صورت رستار به جامعه، مذاکره‌کننده‌گان و سایر گروه‌های ذی‌دخل در روند صلح کشور برسانیم. از جانب دیگر فرهنگ ما بیش‌تر مونولوگ است تا دیالوگ؛ به همین دلیل ما تلاش کرده‌ایم با همین گام‌های کوچک، فرهنگ دیالوگ یا گفت‌وگو را تقویت کنیم. از سویی نفس تولید محتوا و تولید متن حایز اهمیت است، فکر می‌کنم انجام‌دادن یک‌صد مصاحبه با زنان و مردان فعال در بخش‌های مختلف و نشر ۳۶۵ پیام نوشتاری و ویدیویی شهروندان در رابطه با حضور معنادار زنان که از بخش‌های مهم و اساسی برنامه ما بود، می‌تواند موجب تقویت جایگاه زنان در وضعیت حساس کنونی شود.

شبکه: تا چه اندازه به تأثیرگذاری این برنامه باور دارید؟

انوش: ما روزانه صدها پیام در شبکه‌های مختلف اجتماعی دریافت می‌کنیم و شاهد علاقه‌مندی شدید مردم برای نشر شدن پیام‌شان و انعکاس صدای‌شان از این راه هستیم. اگرچه به دلیل زیادبودن پیام‌ها، فرصت پاسخ‌گویی به تمام آن‌ها نیست؛ اما این چیزی از علاقه مخاطبان ما برای پی‌گیری در این مورد کم نمی‌کند. مصاحبه‌هایی که ما طی برنامه زنان و صلح با افراد شناخته‌شده و فعالان جامعه مدنی انجام دادیم، در روزنامه‌های معتبر کشور به چاپ رسید و پیام‌های شهروندان در رابطه با این موضوع در صفحه‌های اجتماعی ما نشر شد.

شبکه: ارزیابی شما از آن‌چه تاکنون در گفت‌وگوهای صلح گذشته است چیست؟ تا چه اندازه می‌توان به نتیجه مطلوب امیدوار بود؟
انوش: از آغاز مذاکرات تاکنون نگرانی ما در رابطه

افزایش آمار خشونت علیه زنان در ولایت نیمروز، موجب نگرانی کنش‌گران مدنی در این ولایت شده است. آنان می‌گویند که در سال‌های گذشته آمار خشونت در برابر زنان نیمروزی بسیار پایین بود، اما در سال جاری به دلیل همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ این آمار افزایش یافته است. مسوولان محلی در ولایت نیمروز برای مهار و کاهش خشونت علیه زنان و کودکان، کمیته‌هایی را در شورای ولایتی و ریاست معارف ایجاد کرده‌اند. اعضای شورای ولایتی نیمروز می‌گویند که با ایجاد کمیته منع خشونت علیه زنان و کودکان در این شورا، به تمام اداره‌های محلی مکتوب متحدالامال ارسال شده تا موضوعات خشونت علیه زنان و کودکان را به شورای ولایتی گزارش دهند.

ریاست امور زنان نیمروز هم از افزایش آمار خشونت علیه زنان در این ولایت ابراز نگرانی می‌کند و از ۱۰ مورد قتل زنان در سال جاری خبر می‌دهد. به باور مسوولان این نهاد، دلیل اصلی افزایش آمار خشونت‌ها فقر، بی‌سوادی و ناآگاهی خانواده‌ها از حقوق زن و شوهر است.

مسوولان در سارنوالی نیمروز اما باور دارند که آمار خشونت‌ها در سال ۱۳۹۹ خورشیدی نسبت به سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ خورشیدی به شدت کاهش یافته است. از دید آنان، آمار خشونت‌های شدید نسبت به سال گذشته تا حدی افزایش را نشان می‌دهد، اما دیگر رویدادهای خشونت نگران‌کننده نیست.

مقام‌ها در ریاست سارنوالی اختصاصی منع خشونت علیه زنان در این ولایت می‌گویند که در سال‌های گذشته آمار خشونت علیه زنان به ویژه واقعات لت‌وکوب افزایش داشت و این مسأله موجب نگرانی نهادهای مدافع حقوق زنان شده بود.

کنش‌گران مدنی در ولایت نیمروز، می‌گویند که همه‌گیری ویروس کرونا در سال جاری سبب افزایش خشونت علیه زنان شده است. محمدصادق بلوچ، کنش‌گر مدنی در این ولایت، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که خشونت‌های خانوادگی در نیمروز نسبت به سایر ولایات کشور کم‌تر است، اما باید نهادهای مدافع حقوق زنان تلاش کنند تا آمار خشونت‌ها کم‌تر شود.

به گفته وی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیش‌تر موارد خشونت علیه زنان در این ولایت را مهاجرانی که از دیگر ولایات کشور به نیمروز می‌آیند، مرتکب می‌شوند. به باور وی، در چند سال اخیر آمار خشونت‌هایی مانند لت‌وکوب، ازدواج‌های زیر سن و آزار زنان به شدت کاهش یافته است. مسوولان نهادهای عدلی ولایت نیمروز، پافشاری دارند که



گفت‌وگوی جامعه مدنی با سید حسین انوش، رییس اجرایی شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر

از آغاز روند صلح در کشور، یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها، نامعلوم‌بودن جایگاه حقوق زنان در این روند بوده است. شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در برنامه‌های زیر عنوان «زنان و صلح» در میان ترس و امید شامل یک‌صد مصاحبه و ۳۶۵ پیام از شهروندان در سراسر کشور، تلاش کرده است روایت نسبتاً جامع از زنان کشور بسازد.

سید حسین انوش، رییس اجرایی شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر می‌گوید که انگیزه آنان از طراحی چنین برنامه‌ای دستیابی به بهترین راه ممکن برای ساختن یک روایت جامع از زنان افغانستان بوده است. «با آغاز مذاکرات صلح، این پرسش به ذهن ما خطور کرد که چطور می‌توان برای حضور معنادار زنان در روند صلح یک روایت ساخت. از سویی متوجه شدیم که شماری از زنانی که بسیار فعال‌اند، چیزی نمی‌نویسند و تلاشی برای انعکاس روایت‌های‌شان نمی‌کنند که این باعث تضعیف صدای آنان در روند صلح می‌شود.»

شبکه: هدف مشخص این برنامه چیست؟
انوش: این برنامه حاصل کار گروهی و تیمی شبکه

تابستان بود. سالش دقیق یادم نیست. اگر محاسبه کنم، می‌شود مشخص کرد؛ اما حالا حوصله‌اش نیست. بعدازظهر روز چهارشنبه بود. آن روز دو کار صورت گرفت: خواهرم قاعده بغدادی را در مسجد به پایان رساند و من در همان بعدازظهر، بی‌مقدمه رفتم برای آموزش در مسجد. همان کتاب خواهرم را گرفتم و شروع کردم به یاد گرفتن الف، ب...

از چراندن ماده‌گاوها در نیم‌چاشتی برگشتم تا گاوها دوشیده شود و دوباره آن‌ها را ببرم پیش نوبت‌دار در چراگاه. همین که به نزدیکی‌های خانه رسیدم، از دور، بوی روغن سرخ شده به مشام رسید. نزدیک‌تر شدم و در عقب دروازه دهلیز که رسیدم، صدای آشنای تق‌تق بریان شدن دانه‌های گندم روی تابه به گوشم رسید. دروازه را باز کردم. یک کاسه کلان پر از «بسراغ» به چشمم خورد. مادر، کنار دیگ‌دان، مشت را پر از گندم می‌کرد و روی تابه می‌انداخت و بعد با جاروب آن را «شور» می‌داد تا بریان شود. سپس آن را روی دسترخوانی که در نزدیکی خود پهن کرده بود، خالی می‌کرد. من به محض رسیدن، رفتم و مُشتم را پر از گندم کردم که بخورم؛ اما داغ بود و دستم را سوختاند. مشتتم بی‌اختیار باز شد. گندم روی دهلیز پراکنده شد. در حال فرار به بیرون بودم که مادر فریاد زد: «ولاد نیک‌بخت. «سرقرائی» ره تای پای تیت کدی. کور موشی.»

دور خوردم. مادر گفت، خواهرت «پنج‌سوره» را خلاص کرده و امروز چهارشنبه که حاجت دوباره دارد، «سرقرائی» می‌گیرد به‌خیر. ذوق‌زده شدم. برایش گفتم که حالا کتاب دارم و از امروز پیش آخوند می‌روم. با مانع مادر مواجه شدم. اول بهانه آورد که هنوز دندان‌هایت کنده نشده است. گفت هر وقت دندان‌ت افتاد، آن زمان مکتب برو، همه همین زمان مکتب می‌روند. وقتی پرسیدم چه زمانی دندان‌هایم کنده می‌شود، گفت شاید دو سال بعد. دوباره بهانه آورد که پدر در مسافرت است، باید از او اجازه گرفته شود و بعد برای «سرتکابی» پول بدهد. نالمیدم کرد.

گندم‌بریان را در دستمالی پیچاند و بعد «بسراغ» را در قابی چپید و رویش دستمال دوخته شده قشنگی انداخت. دختران هم‌درس خواهر، آن‌ها را گرفتند و از دروازه بیرون شدند. مادر، جیب را پالید و پالید و خریطه‌گکی را بیرون کرد. از میان آن کاغذ کلوله شده را بیرون کشید. جداجا کرد و یکی‌یکی شمرد. جمعا پنج اسکناس را به خواهر داد و با حالتی که نه خوشحال بود و نه غمگین، گفت پیسه‌های تخم‌های مرغ است که آن روز به سوداگر فروخته است. خواهر رفت به سمت بیرون. همین که مادر مصروف شد، دزدکی رفتم و از پیش کلکین کتاب قاعده بغدادی را برداشتم. دویده‌دویده در نیمه راه خود را به خواهر رساندم. پیشش عذر کردم که من هم مسجد می‌روم و درس می‌خوانم. با اصرار زیاد راضی‌اش ساختم تا یکی از اسکناس‌هایش را برایم بدهد که برای آخوند «سرتکابی» بدهم.

داخل مسجد، در گوشه‌ای، آخوند پُشت به بستره تکیه داده و روی تشک پاهایش را دراز کرده است. شاخچه باریک و دراز نهال در دست دارد. هر بار که آن را به زمین می‌کوبد، سروصداهای بچه‌ها بلند و بلندتر می‌شود. یک طرف مسجد پسران قطار نشسته‌اند و طرف دیگر دختران. مثلی که همه مهمانی آمده‌اند. همه خود را تکان می‌دهند. آدم‌هایی که به آخوند نزدیک‌اند، قدلندتر اند و هرچه به سمت آخر مسجد می‌شویم، آدم‌های قدکوتاه‌تر هستند. من آخرین نفر در قطار پسران می‌نشینم. طرف چپم پسری نشسته و طرف راستم دختری با کمی فاصله. همین که می‌نشینم، خواهرم که در قطار دختران از طرف آخر نفر سوم است، جایش را عوض می‌کند و به سمت من می‌نشیند. چند دقیقه‌ای که می‌گذرد، با اشاره خمچه آخوند، آدم‌های آخر قطار نزد آدم‌های قطار اول می‌روند و پیش روی آن‌ها می‌نشینند. در میان این شلوغک، پسری خنده‌رو پایش را پیش پای پسرک دیگری می‌اندازد. او می‌افتد. آخوند متوجه می‌شود که افتاد. او را نزد خود می‌خواند. دو سه باری که می‌خواهد با خمچه به کف دست او بزند، همین که چوب پایین می‌آید، او دستانش را دور می‌کند. چوب به زمین می‌خورد. آخوند به خشم می‌آید. چوب را به پشت گردن او می‌کوبد. این‌بار دستان خود را دور نمی‌کند. چند چوب محکم به کف دست او می‌کوبد. برمی‌گردد و دوباره می‌رود پیش روی پسری می‌نشیند و درس جدیدی می‌گیرد. از قطار دختران، خردترها می‌آیند نزد پسران درس می‌گیرند؛ آن‌هایی که کمی کلان‌تر

قصه‌در سر خواندگار در مسجد

نسیم ابراهیمی

بدان اول که پنج است/ ترا دانستنش بهتر ز گنج است... دیگران هر بیت را به نوبت با یک صدا تکرار می‌کنند. آخوند از دروازه وارد می‌شود. پایین می‌شوم و می‌نشینم. با دست اشاره می‌کند که بلند شوم. ایستاد می‌شوم. رفیق‌ترین رفیقم را روبه‌رویم ایستاد می‌کند. امر می‌کند که با سیلی بزنم. دستش را دور می‌برد و با ضربت پایین می‌آورد. نزدیک صورتم که می‌رساند، آهسته به صورتم می‌کوبد. آخوند داد می‌زند: «محکم!» دوباره همین‌گونه. نفر سوم را می‌خواهد و برایش می‌گوید که به این نفر یاد بده تا چطور بزند. او نیز عین کار را می‌کند. این بار آخوند خودش چنان سیلی محکم به روی نفر سوم می‌زند که آب بینی‌اش به رویش می‌پاشد. دوباره امر می‌کند. نفر سوم، نفر دومی را خشم‌ناک با سیلی می‌زند. حالا نوبت به من رسیده است. رفیقم را زور داده است. سیلی را با ضربت بسیار پایین می‌آورد. می‌ترسم، ناخودآگاه سرم را خم می‌کنم. سیلی هوایی می‌رود. صحنه خشن‌تر می‌شود. تاکتیک تغییر می‌کند. از آن دو نفر، یکی را پیش رویم ایستاد می‌کند و دیگری را پشت سر. نفر روبه‌رو دست خود را تکان‌تکان می‌دهد و سپس سیلی می‌زند. هر باری که سرم را تکان می‌دهم، نفر دومی ضربه محکم‌تری از طرف دیگر می‌زند. با هر ضربه سیلی، گوش‌هایم صدا می‌دهد و پوست رویم «گرتگ‌تر» می‌شود.

روزی که برای آخوند گرفتاری پیش می‌آید، همه نفس راحت می‌کشند. آخوند به عیادت مریض رفته و معلوم نیست چه زمانی برمی‌گردد. یک نفر



به نوبت دم دروازه «په‌ره‌داری» می‌کند. دو نفر داخل مسجد بچه‌ها را اداره می‌کنند تا با صدای بلند درس‌هایشان را بخوانند و چند نفر دیگر در وسط مسجد بازی را راه می‌اندازند. دستمالی را تاب می‌دهند و آخر آن را گره می‌زنند. حلقه‌ای می‌سازند تا در بند دست محکم شود. یکی آن را به دست می‌گیرد. دستمال دیگری را دوقات می‌کنند، یک سرش را یکی می‌گیرد و سر دیگری را کسی دیگر. با فاصله از هم می‌نشینند. چشمان هر دو را می‌بندند. نفر اول که دستمال تاب شده در دست دارد، با صدای بلند اصطلاحی را می‌گوید که من معنایش را نمی‌دانم: «گاو زیر دوش». نفر دومی با چشمان بسته خود را به سمت راست دراز می‌کند و می‌گوید: «بدوش». بعد خود را به سمت دیگر می‌کشاند تا نفر اول را در تشخیص موقعیت به اشتباه بیندازد تا ضربه‌اش به او نرسد. نفر اول ضربه می‌زند. ضربه که خطا می‌کند، نفر تبدیل می‌شود. چند نفر این بازی را انجام می‌دهند. نوبت به پسر آخوند می‌رسد. چشمانش را می‌بندند. بازی شروع می‌شود. هر باری که او را ضربه می‌زند، بلند فریاد

صلوات را به صورت پی‌همی ولی با هجاهای جداگانه، ختم می‌کنند. در آخر، همه نیمه‌خم می‌شوند و با هجاهای جداگانه می‌گویند: «سلام علیکم». بچه‌ها یکی‌یکی از کنار دیوار پیش می‌آیند و براساس قد، قطار می‌شوند. پسران پیش و دختران بعد از آن‌ها، همه براساس قد. به شکل مارپیچ از پیش آخوند دور می‌زنند و دست به سینه خود را خم می‌کنند و می‌گویند: «سلام علیکم». از دروازه خارج می‌شوند. گروه‌های دوم و سوم هم همین‌گونه. هر گروه در یک مسیر می‌رود. در مسیر راه نیز همه قطار هستند. نفر اول اصول دین را با صدای بلند می‌خواند و دیگران با یک‌صدا تکرار می‌کنند. هر کسی که در پیش خانه‌اش می‌رسد، از قطار جدا می‌شود. در مسیر به هر آدم‌بزرگی که برمی‌خوریم، همه با یک صدا فریاد می‌زنیم: «سلام علیکم».

پس از غذای چاشت و پیش از شروع درس بعدازظهر، همه در مسجد جمع‌اند. اصول دین تمرین می‌کنند. از میان جمع برمی‌خیزم و می‌روم روی پله دوم منبر می‌نشینم. ادای آخوند را در می‌آورم: «خواهران و برادران گوش کنید!» بعد شروع می‌کنم: «اصول دین

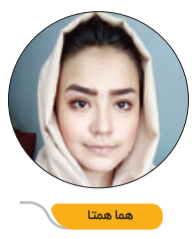
می‌کشد. ضربه‌ها هیچ خطا نمی‌کند. بی‌حوصله می‌شود. چشمانش را باز می‌کند، می‌بیند که طرف مقابل چشمانش طوری بسته شده که او را دیده می‌تواند، به همین دلیل ضربه خطا نمی‌رود. دعوا شروع می‌شود. او را دشنام می‌دهد. طرف مقابل هم مثل خودش، مادرش را فحش می‌دهد. میانجی‌گری می‌کنند. بازی ختم می‌شود. هر کس می‌رود به جایش. همه با صدای بلند درس می‌خوانند. په‌ره‌دار صدا می‌کند که آخوند نزدیک رسیده است. بچه‌ها بسیار منظم می‌نشینند و هر یک مصروف درس خود می‌شود. دروازه باز می‌شود. فضا ساکت می‌شود. همه می‌ایستند و با یک صدا می‌گویند: «سلام علیکم». می‌نشینند. آخوند همین که به سمت جایش می‌رود، با خوشحالی می‌گوید: «بارک‌الله. امروز خوب درس می‌خواندین. صدای‌تان از دور شنیده می‌شد. مرا پیش مردم سرپلند کردین.» سرچاپش می‌نشیند، لنگی‌اش را کنارش می‌گذارد و می‌گوید «بخوانین». پسرش نزدیک می‌شود. دهانش را نزدیک گوشش می‌برد، بعد با دست به سمت همان پسری که با او بازی و دعوا کرده بود، اشاره می‌کند. آخوند خشمگین می‌شود. چهره‌اش سیاه می‌شود و پیشانی‌اش می‌پندد. به خادم مسجد می‌گوید که خمچه‌ها را از زیر فرش مسجد بیرون کند. اول چند نفر «بلندخوان» را که بعد از آخوند بچه‌ها را اداره می‌کنند، پیش خود می‌خواند. آن‌ها را مخاطب قرار می‌دهد: «شما بچه‌ها را درس یاد می‌دهید یا بازی راه می‌اندازید؟» به نوبت، آن‌ها را با خمچه‌ها می‌زند. به یکی از شاگردان امر می‌کند تا برود چوب جنگل خاردار بیاورد و خارهایش را نتراشد. نوبت به کسی که با پسرش دعوا کرده بود، می‌رسد. او را از وسط مسجد فرا می‌خواند. نمی‌آید. مقاومت می‌کند. به دو نفر امر می‌کند تا او را بیاورند. او را کشان‌کشان می‌آورند. پیش آخوند، پاهایش را می‌بندند. یک نفر از طرف راست و نفر دیگر از طرف چپ، از گوشه‌های دستمالی که با آن پاهای او بسته شده است، محکم می‌گیرند. آخوند با خشم بسیار «لت» می‌کند. چوب‌ها یکی‌یکی می‌شکنند. داد و فریاد فضای مسجد را پر کرده است. چوب جنگل خاردار می‌رسد. زدن متوقف می‌شود. خود آخوند از بند پای پسر می‌گیرد و به سمت وسط مسجد می‌کشد. زیر زنجیری می‌رسد که در چوب سقف برای نصب «گیس» آویزان است. با خشم می‌گوید: «بالا کنید». دو نفر، پسر را از دو طرف می‌گیرند. خود که قدی بلند دارد، از پای پسرک می‌گیرد و به طرف سقف بلندش می‌کند. زنجیر را می‌گیرد و از وسط پاهای بسته شده او عبور می‌دهد. چنگک را می‌گیرد و در آخرین سوراخ زنجیر در نزدیکی چوب سقف محکم می‌کند. پسر معلق در هوا دست و بدن تکان می‌دهد و فریاد می‌کشد. پاها به سمت آسمان و سر به پایین. شروع می‌کند به زدن. خارهای جنگل به بدنش می‌خلد. فریاد که بلندتر می‌شود، دهنش را با دستمالی می‌بندند. بچه‌های کوچک را وحشت می‌گیرد، به گریه می‌افتند. یکی یکی فرار می‌کنند. آخوند از فرط خشم و زدن خسته می‌شود و به نفسک می‌افتد. هرباری که چوب به بدن پسر برمی‌خورد، داد می‌کشد و مثل مرغی که ذبح می‌شود، خود را تاب‌وپیچ می‌دهد. کرتی پسر با ضربه‌های چوب پاره می‌شود. کف مسجد را پَر مرغ که از داخل کرتی بیرون می‌شود، می‌گیرد. در آخر، شیمه‌ای برایش نمی‌ماند. نه فریادی می‌کشد و نه خود را تکان

می‌دهد. آخوند هم با چوب می‌زند و هم زیر لب می‌گوید: «مادر پسر من را فحش می‌دهی!» چوب‌ها همه می‌شکنند. آخوند خسته می‌شود و می‌رود سر جایش می‌نشیند. پسر چند دقیقه‌ای سر به پایین و معلق در هوا آویزان می‌ماند. بعد آخوند امر می‌کند تا بازش کنند. دراز می‌ماند. لحظه‌ای بعدتر، خود را به کنار دیوار می‌کشاند. ساعت رخصتی می‌رسد. تشریفات همیشه‌گی رخصتی نیست، یکی یکی بیرون می‌شوند.

او در مسجد می‌ماند. فقط همین کار را می‌کند که خود را جمع کند و به دیوار تکیه زند. هیچ حرفی نمی‌زند. چشمانش باز و بسته می‌شود. نه پدرش به سراغش می‌آید، نه مادرش و نه هیچ کس دیگر. خانه که می‌رسیم، از او قصه می‌کنیم. شام می‌شود. به بام بالا می‌شوم تا مثل دیگر بچه‌های ده، آذان بگویم. هوا به قدری سرد است که وقتی از لباس عبور می‌کند، مثل سوزن در بدن می‌خلد. از دور می‌بینم که کسی در «چیر» برف، تلوتلوخوران به راه افتاده است. بعد از هرچند قدم، گاهی می‌نشیند و گاهی بالای برف می‌افتد. همان پسر است.

کودک یک سرباز قربانی به مدرش:

«آدم وقتی می میره، باید به تماس بچیش جواب نته؟»



هما همتا

روز زنده گی ایش است و از بدو تولد، سایه پدر بر سرش نبوده است. مادر می رود و عکس داوود را می آورد. در بغلش محکم فشار می دهد و می گوید: این عکس را در ایران گرفته؛ مردی با لباس تیره رنگ در کنار یک حرم ایستاده است.

داوود تنها نان آور خانواده اش بود. قبل از پیوستن به نیروهای امنیتی، یک سال در ایران بود. شرایط سخت مهاجرت در بدترین کشور برای مهاجران افغان، او را مجبور می کند به کشور برگردد. مادرش می گوید که همسر داوود بارها می گوید: «داوود، با نیروهای امنیتی یک جا نشو. اگر اتفاقی برایت بیفتد، من با این فرزندانم به کجا پناه ببرم؟» داوود اما هر بار می گوید که همان جا خوب است و هر لحظه می تواند به خانه بیاید و مادر و فرزندان را ببیند.

داوود با مجموعه ای از نیروهای امنیتی که در قریه پایین تر از آن ها محل اقامتشان بوده، یک جا می شود. شب و روزهایی که شولگره در آتش جنگ می سوخت، با هم سنگرانش در برابر طالبان جنگید و خودش نیز قربانی جنگی شد که بیشتر از چهار دهه می شود دست از دامن افغانستان برنداشته است. از حال همسر داوود می پرسیم. می گوید هنوز اشک چشمانش خشک نشده است.

هدیه نه سال دارد و بزرگ ترین فرزند داوود است. بعد از او، حمیدالله فرزند دوم است. مادر داوود می گوید که حمیدالله بیش تر از همه برای پدر بی قراری می کند. می گوید که شب گذشته خاله حمیدالله به خانه آمده بود. حمیدالله از خاله اش می خواست که با موبایلش به پدرش زنگ بزند. هدیه اما برایش می گوید که پدرش مُرده است. حمیدالله در جواب می گوید: «چه فرقی می کنه که مُرده، آدم وقتی مُرد، با بچیش حرف نمی زنه؟»

مادر بزرگ حمیدالله می گوید که نمی تواند این روزها را ببیند، ولی قلمی از جایش کنده نشود. او با عروسش راهی کابل شده است. می گوید: «خودم رفته کارت شهیدی بچیم ره جور کدم. همراه اولادهاش و پدر پیر داوود د میدان مانده بودیم. اینه چهار ماه می شه از شهید شدن بچیم، یک قران هم دولت به ما نداده.» داوود آرزوهای بسیاری برای فرزندانش داشت. او که می خواست بارور شدن کودکانش را ببیند، حالا زیر خرمن خرمن خاک خوابیده است و به تماس های پدرش جواب نمی دهد.

مادرش اما با قلب ترک خورده می گوید، امیدوار است صلح بیاید. هر چند فرزندش را از دست داده است، اما کاش این قربانی بتواند بهای صلح باشد.

داوود ۳۵ ساله حدود چهار ماه پیش در جنگ با طالبان جانش را از دست داد. او افسر نیروهای امنیتی بود و چهار فرزند از او به جا مانده است. پیکر بی جان داوود را در روز هفتم ماه محرم سال روان به خانه اش آوردند. او چون کشتی خسته، حالا در آغوش خاک پهلو گرفته است. مادر با گوشه چادر اشک هایش را پاک می کند و می گوید: «شام بود که خبر زخمی شدن بچیم ره آوردن. گفتن که د شار برده که تداوی اش کنه. صبا ی روز جنازه اش ره آوردن.»

شدیم و پیرزنی که اندوه کمر صبر و بردباری اش را شکسته بود، به استقبال ما آمد. دست یک دختر خرد را گرفته بود و ما را به داخل خانه اش راهنمایی کرد. گفت آن کودک از پدرش به جا مانده است. همسر داوود در خانه نبود. مادرش اما گفت که عروسش به دیدار خانواده پدرش رفته است.

داوود ۳۵ ساله حدود چهار ماه پیش در جنگ با طالبان جانش را از دست داد. او افسر نیروهای امنیتی بود و چهار فرزند از او به جا مانده است. پیکر بی جان داوود را در روز هفتم ماه محرم سال روان به خانه اش آوردند. او چون کشتی خسته، حالا در آغوش خاک پهلو گرفته است. مادر با گوشه چادر اشک هایش را پاک می کند و می گوید: «شام بود که خبر زخمی شدن بچیم ره آوردن. گفتن که د شار برده که تداوی اش کنه. صبا ی همو روز جنازه اش ره آوردن.»

وقتی خبر مرگ داوود را آوردند، همسرش فرزند چهارم اش را هفت ماهه باردار بود. عباس، فرزند چهارم، سه ماه بعد از شهادت پدرش به دنیا آمد. او در چهلمین

فرصت به آزار و اذیت مسافران می پردازند. راننده از آن هایی یاد می کند که جان شان را در جنگ از دست داده اند: «چه جوانانی بودند! عارف ره به یاد میاری؟ آخرین بار دو ماه پیش از شهید شدنش ده میدان فوتبال دیدمش.» مسافری که کنارش نشست، با تاسف سر تکان می دهد. عارف افسر اردوی ملی بوده و در جنگ با طالبان جانش را از دست داده است. ساعت ۱۰:۴۵ پیش از چاشت از شهر مزارشریف حرکت کردیم و ساعت ۱۲ ظهر به شولگره رسیدیم. این ولسوالی حدود ۶۰ کیلومتر از شهر مزارشریف فاصله دارد. شولگره یکی از ولسوالی های پرنفوس ولایت بلخ است. تاک های انگور و شالی زارهای برنج شولگره در مزارشریف بسیار معروف است. پیش ترها مردم برای تفریح به این ولسوالی می آمدند، به ویژه در فصل گرما؛ اما حالا حتا رفت و آمد برای باشندگان محل نیز دشوار شده است.

توصیه مردم این بود که پیش از باخبر شدن طالبان، منطقه را ترک کنیم؛ چرا که ولسوالی شولگره به یک محل جنگی تغییر چهره داده است و مردم نمی توانند بدون سلاح گشت و گذار کنند. یکی از باشندگان محل با ما همراه شد. او ما را به خانه های قربانیان جنگ راهنمایی می کرد. وقتی داخل ولسوالی قدم می زدیم، به جایی، آن طرف تر اشاره کرد و گفت آن جا یکی از محل های اقامت طالبان است و بیش تر اوقات طالبان همان جا هستند. به سمت دیگری اشاره می کند و می گوید آن قریه نیز محل سکونت مردم است که حالا طالبان در آن جا گرفته و از خانه های مردم ملکی به عنوان پناهگاه استفاده می کنند که شرایط جنگیدن را برای نیروهای امنیتی دشوارتر کرده است.

کوچه ها خلوت و آرام است. آن هایی که تجربه سفر به این ولسوالی را داشته اند، می دانند که کوچه های این ولسوالی سرشار از اشتیاق زنده گی کردن بوده است. آن روزها را به یاد می آورم و دلم می گیرد. سپیدارهای بلند تنها و غمگین ایستاده اند. کودکان به چهار دیواری خانه های شان پناه برده اند و دیگر برای بازی به کوچه نمی آیند.

خانه های که قرار بود به آن برویم، از یکی از جان باخته گان نیروهای امنیتی بوده است. وارد حویلی

حالا که این متن را می نویسم، چهار ساعت از رسیدن ما به ولسوالی شولگره می گذرد. طالبان از یک سال به این طرف حملاتشان را در این ولسوالی شدت داده اند و انسان باید خیلی خوش شانس باشد اگر در مسیر راه با ایست های بازرسی طالبان مواجه نشود. کنار جاده، لاشه سوخته دو تانک نیروهای امنیتی به نظر می آید. در موتر باشندگان ولسوالی شولگره بودند و در مورد اتفاقات حرف می زدند. آن ها می گفتند که این تانک های نیروهای امنیتی را طالبان با راکت هدف قرار داده اند. هر چند پاسگاه های نیروهای امنیتی نیز در نقاط آسیب پذیر برای تامین امنیت موجود است، اما مسافران می گویند که گاهی طالبان با استفاده از



اقتصاد افغانستان؛

راهکارهای خودکفایی



خیرالله خیرخواه
بخش سوم و پایانی

در مقابل، کاهش نرخ ارز، واردات را افزایش می دهد. البته آن چه در مورد نرخ ارز مهم است، نرخ واقعی آن است که باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد. در نتیجه، افزایش تولیدات داخلی، حمایت از محصولات داخلی و مدیریت واردات باعث می شود که کشور اقتصاد خودکفا داشته باشد و مردم در رفاه و آسایش زنده گی کنند.

بهترین راهکار در این مورد، این است که مردم تولیدات داخلی را حمایت کنند. مردم می توانند استفاده از محصولات داخلی را در اولویت شان قرار دهند و هم دیگر را به استفاده از محصولات داخلی توصیه و تشویق کنند. حکومت و به ویژه وزارت تجارت، ریاست گمرکات، اتاق تجارت، اداره آیسو و سایر مراجع دولتی می توانند با طرح و تدوین پالیسی ها و روی دست گرفتن اقدامات لازم، از صنعت کاران و سرمایه گذاران داخلی حمایت بی دریغ کنند. بدون شک با حمایت مردم و دولت، اقتصاد ملی تقویت خواهد شد و کشور به سوی خودکفایی اقتصادی، پیش رفت و ترقی حرکت خواهد کرد.

واقعیت این است که نمی توان یک شبه به خودکفایی اقتصادی رسید. اقتصاد ملی در نتیجه حمایت همه جانبه مردم، نهادهای دولتی و کار دقیق و مسوولانه سرمایه گذاران تقویت خواهد شد. بنابراین باید همه با هم برای رسیدن به خودکفایی اقتصادی بسیج شویم.

داخل، موجب کاهش واردات آن کالا می شود.

می تواند با افزایش محدودیت های غیر تعرفه ای از میزان واردات بکاهد.

۳-۳. تعدیل نرخ ارز (کاهش ارزش پولی ملی در مقابل سایر پول ها) به معنای گران شدن قیمت کالاهای خارجی در داخل و در مقابل، ارزان شدن کالاهای داخلی در خارج است. بنابراین افزایش نرخ ارز، از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی، موجب کاهش واردات کالاها می شود و

۲-۳. محدودیت های تعرفه ای شامل تعرفه بر ارزش و تعرفه بر واحد کالاهای وارداتی است. اعمال تعرفه بر یک کالا در واقع همانند سازوکارهای مالیاتی عمل می کند. افزایش تعرفه بر یک کالای وارداتی از طریق افزایش قیمت آن در



۳. مدیریت واردات یکی از شاخص های مهم به خاطر رسیدن اقتصاد کشور به خودکفایی، مدیریت واردات است که همواره مورد توجه سیاست گذاران و تحلیل گران اقتصاد بوده است. محدودیت های غیر تعرفه ای، محدودیت های تعرفه ای و تعدیل نرخ ارز از مهم ترین ابزارهای مدیریت واردات است.

۱-۳. محدودیت های غیر تعرفه ای محدودیت های غیرتعرفه ای شامل ممنوعیت واردات، سهمیه بندی واردات، محدودیت های فنی و معیارهای خاص در واردات می شود. در واقع دولت می تواند در حیطه محدودیت های غیرتعرفه ای با وضع قوانین - واردات یک کالا را ممنوع کند. هم چنان دولت می تواند با ایجاد سهمیه بندی، واردات کالاها را محدود نماید. در کنار این موارد، دولت با وضع معیارها و محدودیت های فنی خاص می تواند واردات یک کالا را کنترل کند. دولت

دبیر بخش ویدیو: محمد نصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعیب حکیمی، پرویز کامروز
ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پدیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان
صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.



سینجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
حسیب بهش
علی شاه حقمیل
آسیه حمزه ای
دبیر رسانه های اجتماعی: نورعلی فرحت

صاحب امتیاز: مدیرمسئول: سردبیر: دبیر گزارش ها: دبیر بخش خبر: دبیر بخش صلح: دبیر رسانه های اجتماعی: نورعلی فرحت


Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

بانکداری اینترنتی عزیز بانک

با استفاده از بانکداری اینترنتی عزیز بانک بخش وسیعی از معاملات مالی تان را از خانه و یا محل کار تان، با خاطر آسوده و راحت، انجام دهید.

عزیز بانک افتخار دارد که ضمن خدمات بانکداری اینترنتی انفرادی، نمونه شرکتی را نیز با ویژگیهای وسیعی نایل برای مشتریان گرامی خویش پیشکش مینماید:

- انجام معاملات جمعی در حسابات بانکی عزیز بانک در یک وقت
- تایید معاملات توسط چندین صلاحیتدار حساب به شکل سلسله مراتب
- تایید معاملات گروهی توسط هر یک از صلاحیتدار حساب



آکسفام:

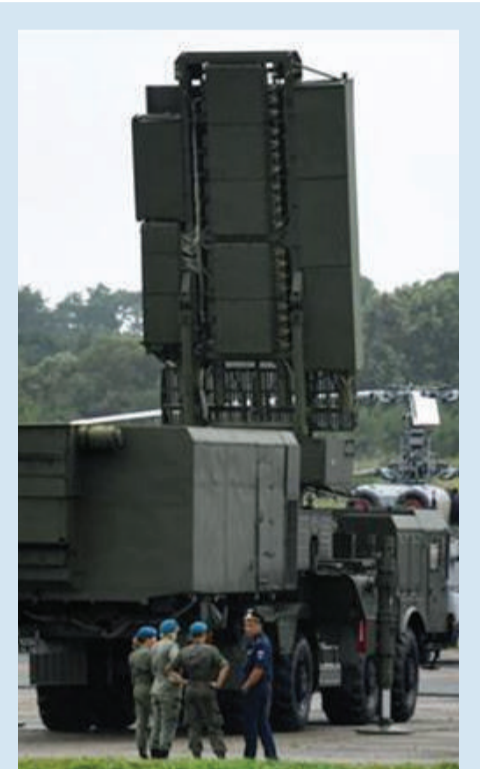
۲۰۷ میلیارد جمعیت جهان بدون حمایت مالی و اجتماعی در بحران کرونا رها شدهاند



آکسفام از دولت‌های کشورهای کم‌درآمد و متوسط خواسته تا با افزایش مالیات بر ثروت‌مندان، بودجه حمایت اجتماعی مناسب و معقول از اقشار آسیب‌پذیر را افزایش دهند. این سازمان همچنین با تأکید بر ایجاد صندوق جهانی حمایت اجتماعی، از کشورهای ثروت‌مند خواسته تا با افزایش کمک‌های خود به کشورهای کم‌درآمد و لغو بدهی این کشورها، آن‌ها را برای فایق آمدن بر تبعات اقتصادی و اجتماعی ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا یاری کنند. هم‌چنان تأکید کرده که اگر صندوق جهانی حمایت اجتماعی تاسیس نشود، برای نخستین بار در چند دهه گذشته جمعیت فقیرای جهان سیر صعودی به خود خواهد گرفت. آکسفام یک کنفدراسیون بین‌المللی متشکل از ۲۰ سازمان غیردولتی است که با همکاری شرکای خود در بیش از ۹۰ کشور جهان برای پایان دادن به بی‌عدالتی‌های منجر به فقر، تلاش می‌کند. این موسسه غیرانتفاعی در سال ۱۹۴۲ در دانشگاه آکسفورد بنیان نهاده شد، ولی مقر اصلی آن در ناپروبی کنیا قرار دارد.

این رقم معادل با ۴۲ میلیارد دلار در ۵۹ کشور کم‌درآمد هزینه شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که در ۲۸ کشور ثروت‌مندتر، دولت‌ها به طور متوسط ۶۹۵ دلار به ازای هر نفر برای حمایت‌های اجتماعی هزینه کرده‌اند. این رقم در کشورهای با درآمد متوسط فقط ۲۸ دلار بوده و در کشورهای کم‌درآمد به سختی به ۴ دلار می‌رسد. در عین حال، فقط ۱۳ درصد از کشورهای با درآمد کم و متوسط برنامه‌های حمایتی طولانی‌تری از شش ماه داشته‌اند و نزدیک به ۴۱ درصد از حمایت عمومی صورت گرفته در این کشورها به شکل تک‌پرداخت بوده است. نتایج این مطالعه حاکی است که نیم میلیارد نفر از جمعیت کشورهای با درآمد متوسط و کم، بیکار و یا با کاهش ساعت کاری مواجه شده‌اند که در این میان زنان شاغل بیش از مردان آسیب دیده‌اند. هم‌چنین بخش قابل توجهی از مردم این کشورها در معرض افزایش بدهی، کاهش وعده‌های غذایی، فروش اموال ضروری و کاستن از مراقبت‌های لازم از کودکان قرار گرفته‌اند.

به گزارش یورو نیوز فارسی، بیش از یک سوم جمعیت جهان معادل ۲۰۷ میلیارد نفر، از هیچ حمایت مالی و تأمین اجتماعی برای مقابله با بحران اقتصادی مرتبط با بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ بهره‌مند نشده‌اند. مطالعه جدید آکسفام که بر پایه تجزیه و تحلیل حمایت‌های اجتماعی صورت گرفته و در ۱۲۶ کشور با درآمد کم و متوسط انجام شده، نشان می‌دهد که اکثر این حمایت‌ها کوتاه‌مدت است و برای تأمین نیازهای اساسی مردم گرفتار در بحران کرونا کافی نخواهد بود. بر پایه نتایج این مطالعه، در حالی که کشورهای ثروت‌مند ۹۸ تریلیون دلار با هدف کمک به بازگشت رونق اقتصادی و مقابله با تبعات رکود ناشی از شیوع ویروس کرونا اختصاص داده‌اند، اکثر کشورهای با درآمد کم و متوسط نتوانسته‌اند چنین رویکرد سخاوتمندانه‌ای را در پیش بگیرند. در واقع از ۱۱۰۷ تریلیون دلار هزینه شده در سراسر جهان برای مقابله با عواقب همه‌گیری ویروس کرونا، ۸۳ درصد مربوط به ۳۶ کشور ثروت‌مند جهان است و کمتر از ۰.۴ درصد



امریکا صنایع دفاعی ترکیه را تحریم کرد

به گزارش دویچه‌وله فارسی، مدیر سازمان صنایع دفاعی ترکیه و سه همکارش مورد تحریم امریکا قرار گرفتند. این تحریم به دلیل خرید سامانه دفاع موشکی S400 از روسیه اعمال شده است. ایران این تحریم‌ها را محکوم کرده، اما یونان از آن استقبال کرده است.

وزارت خزانه‌داری امریکا سازمان صنایع دفاعی ترکیه را به دلیل خرید سامانه دفاع موشکی S400 از روسیه، مورد تحریم قرار داد. براساس بیانیه وزارت خزانه‌داری امریکا که روز گذشته منتشر شد، اسماعیل دمیر مدیر این سازمان و سه همکارش مشمول این تحریم‌ها قرار گرفتند.

وزیر امور خارجه ترکیه این اقدام امریکا را «اشتباهی سخت» خواند و اعلام کرد که ترکیه آن را تلافی خواهد کرد.

خبرگزاری اینترفاکس نیز از قول سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، نوشت که «این تحریم‌ها قانونی نیست». خبر این تحریم‌ها را پیش از همه خبرگزاری رویترز از قول منابع داخلی‌اش منتشر کرد.

موضوع خرید موشک S400 از روسیه چندین سال است که دو هم‌پیمان ناتو (امریکا و ترکیه) را در مقابل هم قرار داده است. انقره در اواسط سال ۲۰۱۹ بدون توجه به اعتراضات امریکا، این معامله را نهایی کرد. دولت ترکیه این نگرانی امریکا را که خرید این سیستم موشکی می‌تواند تهدیدی علیه هم‌پیمانان ناتو باشد، رد کرده است.

در راستای همین مجادلات میان واشنگتن و انقره بود که امریکا سال گذشته میلادی ترکیه را از برنامه جت‌های جنگی F35 خارج کرد.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، تحریم ترکیه از سوی امریکا را محکوم کرده است. او در توییتی، تحریم‌های امریکا را نقض قوانین بین‌المللی دانسته و آن را «بیه شدت» محکوم کرده است. ظریف نوشته است که ایران در مقابل این تحریم‌ها در کنار دولت و مردم ترکیه است.

در مقابل یونان از اعمال تحریم‌های امریکا علیه ترکیه به دلیل خرید سامانه موشکی از روسیه، استقبال کرده است. در بیانیه وزارت خارجه یونان که شامگاه روز گذشته منتشر شد، آمده است که آتن با رضایت‌مندی تصمیم امریکا را دنبال می‌کند. ترکیه و یونان چندین ماه است که بر سر گسترش مناطق اقتصادی انحصاری در شرق مدیترانه، حق حاکمیت بر دریای اژه و نیز مساله قبرس مجادله دارند.

وزارت امنیت داخلی امریکا هدف حملات سایبری قرار گرفت

نوشته‌اند که گمان می‌رود هکرهای روسیه پشت این حملات باشند. با این حال سفارت روسیه در واشنگتن این اتهام را رد کرده و آن را «بی‌اساس» خوانده است. این سفارت‌خانه در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرده که روسیه «عملیات سایبری تهاجمی» انجام نمی‌دهد. سفارت روسیه هم‌چنین افزوده است که «فعالیت‌های مخرب سایبری بر اصول سیاست خارجی روسیه، منافع ملی و درک ما از روابط بین‌الملل مغایرت دارد.» حمله هکری بر نهادهای امریکایی که احتمالاً بزرگ‌ترین تهاجم سایبری جهانی طی پنج سال گذشته است، در آخرین هفته‌های دولت دونالد ترامپ و در آستانه ورود جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب امریکا به کاخ سفید، صورت می‌گیرد. به دنبال انتشار این گزارش‌ها، نهادهای اطلاعاتی امریکا اعلام کرده‌اند که در وضعیت آماده‌باش قرار دارند.

به بخش‌های مختلف دولتی است و از نزدیک با همه شرکای خود در بخش دولتی و خصوصی برای واکنش نشان دادن سراسری به آن در تماس هستیم.» نخستین بار روز ۲۳ قوس بود که احتمال هدف قرار گرفتن وزارت خزانه‌داری و اداره ارتباطات و اطلاعات ملی وزارت تجارت امریکا مطرح شد. آن‌طور که روزنامه واشنگتن پست و خبرگزاری رویترز براساس اظهارات مقام‌های رسمی خبر داده‌اند، وزارت امنیت داخلی امریکا سومین نهاد مورد حمله هکرها بوده است. به گزارش رویترز، ایمیل‌های مقام‌های رسمی وزارت امنیت داخلی ایالات متحده در جریان یک نفوذ سایبری پیچیده از سوی هکرها رویت می‌شده است. وزارت امنیت داخلی امریکا مسوول امنیت مرزی و حفاظت از ایالات متحده در برابر حملات اینترنتی است. هر دو رسانه یادشده به نقل از شماری از مقام‌های رسمی

به گزارش رادیو فردا، وزارت امنیت داخلی ایالات متحده هدف حملات سایبری هکری قرار گرفت که احتمال می‌رود وابسته به حکومت روسیه باشند. وزارت امنیت داخلی این گزارش را تأیید نکرده و تنها گفته است: «در جریان این نفوذهای سایبری



بحران در لبنان؛ «تمام راه‌ها برای تشکیل دولت به بن‌بست رسیده است»

انفجار بیروت بحران اقتصادی لبنان را تشدید کرد و به اختلافات سیاسی دامن زد. خبرگزاری رویترز می‌گوید فساد دولتی و سوءمدیریت در لبنان، این کشور را به بحرانی اقتصادی دچار کرده که از زمان پایان جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۹۰ بی‌سابقه است.



چندمین بار به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شده - با میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان، بی‌نتیجه ماند و دو طرف در بیانیه‌هایی یک‌دیگر را مقصر تاخیر در تشکیل دولت معرفی کردند. آقای حریری کم‌تر از دو ماه پیش برای تشکیل دولت به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. او یک سال پیش و در پی اعتراضات سراسری از این مقام استعفا کرده بود. نبیه بری، رئیس‌جمهور لبنان و از متحدان سیاسی جنبش حزب‌الله، هم با انتقاد از هر دو طرف مذاکره گفت: «چرا به بن‌بست رسیدیم؟ پاسخ این سوال قطعاً نزد رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر منصوب است.» آقای بری با ارایه تصویری تیره و تار از وضعیت سیاسی لبنان، گفت که تا سفر امنویل مکرون به لبنان «تنها می‌توانیم منتظر باشیم.» آقای مکرون قرار است اواخر ماه جاری میلادی به لبنان سفر کند. این سفر، سومین دیدار او از زمان انفجار ویران‌کننده بیروت در حدود چهار ماه پیش است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، رئیس‌مجلس لبنان می‌گوید که تمام راه‌های ممکن برای تشکیل دولت جدید در این کشور به بن‌بست رسیده است. نبیه بری روز سه‌شنبه، ۱۵ دسامبر، وضعیت سیاسی لبنان را نگران‌کننده خواند و گفت: «وارد تونلی تاریک شده‌ایم و من نمی‌دانم چطور قرار است از آن بیرون بیاییم.» با وجود این، آقای بری گفت امیدوار است امنویل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در سفر آینده‌اش به لبنان، بتواند به شکستن این بن‌بست کمک کند. از زمان کناره‌گیری دولت لبنان در پی انفجار مرگبار بندر بیروت، گروه‌ها و احزاب سیاسی نتوانسته‌اند بر سر تشکیل دولتی جدید به توافق برسند. این بن‌بست سیاسی در لبنان در حالی ادامه دارد که این کشور با بحران شدید اقتصادی و مالی روبه‌رو است. روز دوشنبه آخرین دور مذاکرات سعد حریری - که برای